



بایکوت حقیقت

کشته شدن ۵ خبرنگار الجزیره توسط اسرائیل



از جنس علم و فرهنگ

به یاد عباس زریاب‌خویی



فقیر و فقیرتر

گزارشی از گسترش فقر در میان خانوارهای ایرانی

مابه‌ازای لغو تحریم‌ها

معاون سیاسی وزیر امور خارجه اعلام کرد که ایران در قبال لغو تحریم‌های آمریکا، پذیرش محدودیت بر توسعه هسته‌ای برای مدت معین را می‌پذیرد



یادداشت روز

پیدا و پنهان یک توافق

آیا تحولات قفقاز جای نگرانی جدی دارد؟



عبدالرضا فرجی‌راد

استاد ژئوپلیتیک

پس از امضای توافق‌نامه صلح بین الهام علی‌اف و پاشینیان، رئیس‌جمهور ارمنستان در کاخ سفید و با میانجیگری ترامپ، موجی از نگرانی در داخل کشور توسط بعضی مسئولین سابق، اصحاب رسانه و تحلیلگران سیاسی راه افتاد که در مرز شمالی یک بن‌بست ژئوپلیتیکی برای ایران ایجاد گردیده که بعضی از سخنان نیز از صداوسیما پخش شد. این صحبت‌ها در زمانی مطرح شد که به موقع وزارت خارجه جمهوری اسلامی و حتی قبل از این تحلیل‌ها، مواضع دولت را در این رابطه اعلام کرد. سخنگوی وزارت خارجه ضمن استقبال از توافق صلح بین آذربایجان و ارمنستان نسبت به هرگونه دخالت خارجی در منطقه که موجب اختلاف و تنش شود، هشدار داد. برای روشن شدن بهتر موضوع لازم است به نکاتی اشاره گردد تا مشخص شود این توافق‌نامه تا چه اندازه به ضرر ایران بوده است:

۱ بعد از جنگ ۲۰۲۳ که آذربایجان توانست با حمایت همه‌جانبه ترکیه، اسرائیل و افراد گروه افراطی تحریرالاشام بر ارمنستان غلبه کند، توازن نظامی تا حدی به هم خورد که باکو از این پیروزی غره گردید. ضمن اینکه زیر بار توافق آتش‌بس نمی‌رفت بر جنوب استان سیونیک ارمنستان هم‌مرز با ایران ادعای ارضی پیدا کرد و خواهان حق حاکمیت بر منطقه را داشت. هدف باکو این بود که با تصرف این منطقه، اتصال جغرافیایی به نخجوان پیدا کند و از طرفی نیز مستقیماً به ترکیه از طریق نخجوان وصل شود. با توجه به روابط خاص ایران و آذربایجان و نگرانی از اینکه ممکن است در آینده مسیر ترانزیتی جنوب به شمال ایران با محدودیت روبه‌رو شود، نه تنها مقامات ارشد کشور با این تغییرات ژئوپلیتیکی مخالفت کردند بلکه لشکری را هم به مرز فرستادند تا در صورت اقدامی از سوی باکو با آن مقابله شود. مخالفت‌های پی‌درپی ایران باعث شد که ترکیه و آذربایجان روی ایروان کار کنند تا بلکه با دادن امتیازاتی به ارمنستان مثل گشایش فعالیت اقتصادی با ترکیه، ایروان را راضی به تغییرات کنند که خوشبختانه پاشینیان فریب این قول‌ها را نخورد و بر حاکمیت ملی ارمنستان تأکید کرد.

۲ اختلافات حل نشده آذربایجان و ارمنستان باعث شد که اتحادیه اروپا واسطه مذاکرات بین ارمنستان و آذربایجان شود تا شاید بتواند دو کشور را راضی کند که قرارداد صلح امضا کنند. البته از آنجایی که امر صلح به خوبی پیش نمی‌رفت، باکو و ایروان توافق کردند که مسأله پیمان صلح از مسأله گذرگاه زنگرور جداگانه مورد بحث قرار گیرد تا سرعت بیشتری به مذاکرات داده شود.

۳ در این میان دونالد ترامپ که در کارزار انتخاباتی‌اش قول صلح در اوکراین، ایران و غزه را داده بود از فرصت استفاده کرد و با چند دور مذاکرات محرمانه با دو طرف دارای مناقشه، توافق آنها را به دست آورد که فعلاً توافق‌نامه صلحی را در کاخ سفید و با میانجی‌گری ترامپ به امضا برسانند که بعد از امضای توافق‌نامه، گفت‌وگوهای مربوط به تعیین مرز ادامه یافته تا به یک پیمان صلح با ضمانت اجرایی منجر شود. در این توافق‌نامه همچنین مسأله مسیر زنگرور - که نام آن را مسیر ترامپ گذاشتند - مورد اشاره قرار گرفت؛ بر این اساس که این مسیر ۴۳ کیلومتری به یک شرکت آمریکایی ۹۹ ساله اجاره داده شود تا زیرساخت‌های اتوبان و ریلی را با سرمایه‌گذاری خود فراهم کند. در این تفاهم‌نامه قید شده که این شرکت یا کنسرسیوم در ماه‌های آتی، مذاکرات خود را با ارمنستان آغاز می‌کند و حاکمیت این مسیر نیز با ارمنستان خواهد بود.

۴ واقعیت این است که با این اقدام، فاصله آذربایجان و ارمنستان کاهش یافت ولی هنوز پیمان صلحی بین دو کشور امضا نشده است. هنوز صد درصد نمی‌توان گفت که دو طرف بتوانند به‌زودی پیمان صلحی را به امضا برسانند و مشکلات مرزی خود را حل کنند هر چند که احتمال توافق بالاست.

ادامه در صفحه ۳

معرکه محمود

محمود احمدی‌نژاد که در دوران ریاست‌جمهوری خود با شعار عدالت‌محوری و تقابل با نظام بین‌الملل، تحریم‌های زیادی را بر مردم و کشور تحمیل کرده بود اکنون با خواندن کتاب **اخلاق آزادی** اثر «مورای روتبارد» از مترجمان این کتاب برای حضور در یک نشست تحلیلی دعوت به عمل آورد سازندگی بررسی می‌کند: آیا او شبیه اندیشمندان لیبرتارین فکر می‌کند؟



سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

نزدیکان محمود احمدی‌نژاد خبر داده‌اند که او کتاب «اخلاق آزادی» نوشته «مورای روتبارد» را خوانده و درباره آن نظرانی دارد. در همین زمینه دفتر آقای احمدی‌نژاد از مترجمان کتاب برای حضور در یک نشست تحلیلی دعوت کرده است. کتاب «اخلاق آزادی» نوشته «مورای روتبارد» را می‌توان کامل‌ترین شرح فلسفه لیبرتاریسم دانست. این کتاب که توسط انتشارات دنیای اقتصاد منتشر شده از سوی محافل اقتصادی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. روتبارد در این کتاب ضمن ستایش آزادی به‌عنوان حق ذاتی انسان، هرگونه مداخله قهری دولت را رد می‌کند و بازار آزاد را مظهر خودمختاری و همکاری داوطلبانه می‌داند.

ادامه در صفحه ۶



خبر

گفت‌وگوی تلفنی برای زنگزور

پزشکیان خطاب به پاشینیان: مطمئن شوید راه‌گذر قفقاز مسیر صلح است، نه ابزار سلطه بیگانگان

سایت ریاست‌جمهوری ایران گزارش داده: نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان، پیش‌ازظهر روز دوشنبه(۲۰ مرداد) در تماس تلفنی با رئیس‌جمهور کشورمان ضمن ارائه گزارش مسیوطی از روند امضای یادداشت تفاهم صلح اخیر بین این کشور و جمهوری آذربایجان و تشریح ابعاد مختلف پروژه راه‌گذر مواصلاتی قفقاز از مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران و دولت چهاردهم در حفظ همکاری میان کشورهای منطقه سپاسگزاری کرد. نخست‌وزیر ارمنستان افزود: تاکید جمهوری اسلامی ایران بر حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی ارمنستان برای ما بسیار ارزشمند و با اهمیت است و ما هیچ توافقی را به امضا نمی‌رسانیم مگر آنکه از رعایت منافع، ملاحظات و حساسیت‌های کشور دوست و همسایه ایران اطمینان کامل حاصل شود. پاشینیان با تاکید بر اینکه روابط و همکاری با جمهوری اسلامی ایران برای ارمنستان از جایگاه خاص و متمایزی برخوردار است، تصریح کرد: ارمنستان روابط خود با ایران را راهبردی می‌داند و تمامی تصمیمات و اقدامات مهم با مشورت و هماهنگی دوجانبه اتخاذ خواهد شد. ما شفافیت و صداقت را به عنوان اصول بنیادین در این روابط قرار داده‌ایم و این رویکرد همواره پایدار خواهد بود. رئیس‌جمهور کشورمان نیز در این گفت‌وگوی تلفنی، روابط جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان را راهبردی و روند تعاملات میان دو کشور را همواره سازنده، مبتنی بر حسن همجواری و بر پایه احترام متقابل به تمامیت ارضی طرفین دانست و گفت: اتخاذ رویکردهای اصولی و منطقی همواره زیربنای محکم و اصلی تقویت پیوندهای دوستانه و راهبردی میان تهران و ایروان بوده و هر گونه تلاش و اقدام در جهت خدش‌دهار کردن این روابط تاریخی و عمیق از سوی دو کشور به طور قاطع رد و غیرقابل پذیرش خواهد بود. پزشکیان همچنین تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران به عنوان لنگرگاه صلح و ثبات و امنیت در منطقه از هر توافقی که منجر به تقویت صلح به ویژه میان کشورهای منطقه شود، استقبال می‌کند. وی در ادامه به توافق اجرای پروژه راه‌گذر مواصلاتی در منطقه قفقاز با مشارکت آمریکا اشاره و با تاکید بر حفظ حاکمیت ارمنستان در این زمینه و عدم دخالت هرگونه نیروی نظامی و امنیتی در قالب اجرای این پروژه نسبت به هوشیاری و مراقبت ویژه در قبال اقدامات احتمالی طرف آمریکایی که ممکن است تحت پوشش سرمایه‌گذاری اقتصادی و ادعای تأمین صلح، اهداف سلطه‌طلبانه‌ای را در منطقه قفقاز دنبال کند، هشدار داد و افزود: باید اطمینان حاصل کرد که این مسیر واقعا مسیر صلح و توسعه خواهد بود، نه ابزاری برای تحقق اهداف سلطه‌جویانه بیگانگان.

استارت کار با همسایگان

سفر علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی به عراق و لبنان

علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان در نخستین سفر برون‌مرزی پس از کسب این مسئولیت، روز دوشنبه راهی عراق شد. به گزارش «انتخاب»، لاریجانی همچنین قرار است بعد از عراق به لبنان سفر کند. وی در خصوص سفرهای منطقه‌ای خود گفت: این سفر دو بخش دارد و اول عراق است. عراق کشور دوست ماست و روابط نزدیک تجاری سطح نسبتا بالایی با آنها داریم. همکاری دو ملت در سطح بسیار خوبی است. نمونه آن اربعین است که پیشاپیش تشکر می‌کنیم که دولت عراق در زمینه همکاری‌های خوبی برای زائرین دارد. لاریجانی افزود: ما یک توافقنامه امنیتی با عراق را تدوین کردیم و این نکته مهمی است. نگاه و سبک ایران در روابط با همسایگان این است که امنیت ایرانیان، نقطه اصلی است و در ضمن آن، توجه به امنیت همسایگان هم دارد. مثل برخی کشورها نیست که فقط امنیت را برای خودشان می‌دانند و دیگر ملت‌ها را له کردند. در این سفر این توافقنامه امضا خواهد شد. وی در ادامه گفت: یک ریشه مشترک تمدنی بین ایران و لبنان وجود دارد و به همین دلیل همکاری‌های ما با دولت لبنان سابقه دارد و گسترده است. در مسائل مختلف منطقه ما با یکدیگر رازینی داریم. بنابراین در این شرایط که شرایط خاص هم هست با مسئولین لبنان گفت‌وگو خواهیم کرد. لاریجانی همچنین در پاسخ به این سوال که آیا در این سفرها حامل پیامی هستید، گفت: پیام‌هایی که وجود دارد که مطرح خواهیم کرد. وی در آخر بیان کرد: در لبنان مواضع ما روشن است و نظر ما این است که وحدت ملی موضوع مهمی است که باید حفظ شود. استقلال لبنان همیشه برای ما مهم است. بالا رفتن روابط تجاری بین دو کشور از موضوعات مهم است.

محصول جلسات آبگوشتی!

جدال سیدياسر جبرائیلی، مدیرمسئول مجله حکمران و کیان عبداللهی، سردبیر خبرگزاری تسنیم بر سر اظهارات مشاور فرمانده کل سپاه بالا گرفت

آبگوشتی این شد که از روی دست حلقه فلان و بسترسازان سیاست رسانه‌ای اسرائیل، کبی کئی و بگی سیاست و اقتصاد توسط این نهاد مهندسی می‌شود؟ حتی عقلانیت انتقاد هم نداری؛ استهزای جمهوریت اینجاست!» عبداللهی دقیقا اینطور نوشت «آقای جبرائیلی از ترکیب «جلسه آبگوشتی» اهانت‌آمیزتر سراغ داری؟ جناب یاسر جبرائیلی گفته اینکه کسی بگوید شهید دکتر طهرانچی، مدیر راهبردی بوده و از نظر برخی ظرفیت اداره سطح بالا در کشور را هم داشته، استهزای جمهوریت است. جناب جبرائیلی! فارغ از اینکه هر کسی می‌تواند موافق یا مخالف مدیریت شهید طهرانچی

گروه سیاسی: ماجرای جنجالی میان سیدياسر جبرائیلی با سردبیر تسنیم، این روزها در شبکه‌های اجتماعی و محافل سیاسی بازتاب گسترده‌ای یافته است. نقطه آغاز این کشمکش ویدیویی بود که جبرائیلی از سردار حمیدرضا مقدم‌فر، مشاور فرمانده کل سپاه در شبکه ایکس منتشر کرد. در این ویدیو سردار مقدمی‌فر به نکته‌ای جنجالی اشاره می‌کند که در درون «نظام» تفکری وجود دارد مبنی بر اینکه برخی مدیران، از جمله شهید دکتر طهرانچی، ظرفیت اداره کشور را نداشته‌اند؛ موضوعی که به نظر جبرائیلی، فراتر از یک افشاگری سیاسی، توهینی آشکار به جمهوریت و سپاه محسوب می‌شود. این اظهارات، واکنش‌های تند و متقابلی را به همراه داشت؛ از جمله پاسخ کیان عبداللهی، سردبیر خبرگزاری تسنیم که به شدت به جبرائیلی انتقاد و او را به نادیده گرفتن عقلانیت و توهین به مفهوم جمهوریت متهم کرد. عبداللهی در واکنش خود از «جلسه آبگوشتی» و «بسترسازان سیاست رسانه‌ای اسرائیل» به‌عنوان نمادهای مخالفت با نهادهای نظامی و امنیتی یاد کرد و جبرائیلی را به داشتن تصویری غیرواقعی از خود و مدیریت سیاسی کشور متهم کرد. این مناقشه، تصویری از تقابل دیدگاه‌ها در میان اصولگرایان نسل سوم و چالش‌های سیاسی و رسانه‌ای پیش روی آنها را به نمایش گذاشته است. جایی که نقد مدیریت‌های کلان کشور و نحوه چپنیش سیاسی به صحنه‌ای پرتش و پر از اتهام و پاسخ تبدیل شده است.

دیر رسیدی!

داستان از آنجایی شروع شد که سیدياسر جبرائیلی، مدیر مجله حکمران با انتشار ویدیویی از سردار مقدم‌فر در شبکه ایکس نوشت: برادر عزیزمان سردار حمیدرضا مقدم‌فر، مشاور فرمانده کل سپاه فرموده که یک فکری در «نظام» ایجاد شده بود که ما مدیرانی داریم که ظرفیت اداره کشور را دارند و یکی از اولین گزینه‌هایی که به فکر «همه» می‌رسید، آقای طهرانچی بود و در خیلی از «محافل» این بحث بود. این فرمایشات، فارغ از اینکه پرده‌برداری از نحوه چپنیش سیاسی کشور است، استهزای جمهوریت و اهانت به سپاه است. او در ادامه آورد: تجربه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه پیش از پیش، این ضرورت را آشکار کرد که دستگاه نظامی – امنیتی جمهوری اسلامی نیاز به یک بازمهندسی اساسی دارد و یکی از شقوق مهم این بازمهندسی و بلکه مقدمه آن خروج این نهادها از رقابت‌های سیاسی و فعالیت‌های اقتصادی است».

یاسر جبرائیلی که انتقاد تند و تیزی در توییتش به مشاور فرمانده کل سپاه دارد با نگرش‌های متفاوت خود در حوزه اقتصاد، به ویژه بازار ارز، به‌عنوان یکی از شخصیت‌های شناخته شده به خصوص در فضای مجازی و در نسل سوم اصولگرایان مطرح است. یکی از معروف‌ترین تصاویر او عکسی است که در کنار وحید یامین‌پور و علی اکبر رائفی‌پور گرفته شده و به‌عنوان «عکس آبگوش‌خوری جوانان» شناخته می‌شود. جبرائیلی فقط در آن عکس معروف شناخته نمی‌شود بلکه در تصاویر مهم دیگری نیز در تاریخ جریان اصولگرایی حضور دارد.

در واکنش به این نگاه، کیان عبداللهی سردبیر خبرگزاری تسنیم خطاب به جبرائیلی نوشت: دیر رسیدی! یعنی کل خروجی جلسه

دیدگاه: یادداشت‌وارده

با مردم حرف بزنید



محمد رازی‌فرد

روزنامه‌نگار

مدیران و مسئولین بالادستی انگاری در این کشور هیچ اتفاقی نیفتاده است، آنان راه خود را می‌روند و شعارهایشان را می‌دهند، هر کس نداند، تصور می‌کند که همه چیز بر ریل توسعه و آرامش و آسایش است. مردم را تنها گذاشته‌اید و با آنان سخنی نمی‌گویید، مردم نمی‌دانند که در کشور چه خبرهایی است تا بر آن مبنا آماده هر اتفاقی باشند، چرا بر این باورید که مردم هرچه کمتر بدانند، بهتر است؟ چرا مردم را در شرایط تعلیق قرار می‌دهید؟ خبرهای کلی و قیچی شده که در آن نه حیات و نه ممات مردم یافت می‌شود

باشند، واکنش شما به یک دیدگاه درباره مدیریت سیاسی کشور با مزه است. استهزای جمهوریت که هیچ، شوخی تلخ «جلسه آبگوشتی» برای اداره سیاسی ایران بود، از آن عکس و آن ترکیب توهین‌آمیزتر سراغ دارید؟ هر کسی می‌تواند با این گزاره که طهرانچی می‌توانسته مدیر جایی باشد یا نباشد، موافقت یا مخالفت کند؛ هیچ ایرادی ندارد؛ اما خود همین جناب جبرائیلی، دوست ما می‌گفت که می‌خواست، کاندیدای ریاست‌جمهوری شود اما کسی که رویش حساب می‌کرده تا او حمایت کند، نهایتاً او را قال گذاشته و خودش نامزد شده است! جناب جبرائیلی! تو بدون حتی یک روز سابقه اجرایی سطح بالا چنین تخیلی درباره خودت داشتی حالا درباره استهزای جمهوریت صحبت می‌کنی؟»

سمت درست تاریخ کجاست؟

جبرائیلی و عبداللهی در این سال‌ها وجه اشتراکاتی داشتند. به‌خصوص در اردوگاه اصولگرایان تندرو. اما مدت زیادی است که جبرئیلی و دوستانش مانند رائفی پور به جز علاقه به آبگوشت البته رویکردهای دیگری نیز هست: دیدگاه‌های رادیکال در زمینه اقتصاد، مخالفت با برجام، مخالفت با دولت روحانی و شخص محمدجواد ظریف، مخالفت با FATF و البته تلویحا مخالفت با مذاکره با غرب. این اما تنها تصویر مهم در تاریخ تغییرات یک دهه گذشته اصولگرایی نیست که یاسر جبرائیلی در آن حضور دارد. تصویر مهم دیگر، عکسی است که حدود ۸ سال پیش در خبرگزاری فارس منتشر شد. جشن یک سالگی فارس پلاس بود و جوانان اصولگرا با چهره‌های دیگر این جریان دور هم جمع بودند. امیر تلو در این برنامه حضور داشت و تصویری از او در حال دریافت جایزه از حمید رسایی دیده می‌شود. در کنار حمید رسایی تعدادی از مدیران جوان اصولگرا دیده می‌شوند و در انتها صورت خندان یاسر جبرائیلی دیده می‌شود. او در آن زمان در هیات مدیره خبرگزاری

فارس فعالیت می‌کرد. به گزارش رویسداد ۲۴ دور روزگار برای جبرائیلی اما سریع چرخید. نامش به عنوان برنامه‌نویس اقتصادی سیدابراهیم ریسی بعد از انتخابات ریاست‌جمهور سیزدهم مطرح شد و در تیرماه سال گذشته نیز خبرهایی آمد که در مشاوره‌های اقتصادی به سعید جلیلی نیز دستی بر آتش دارد. چگونه جوان جویای نام که برای روزنامه کیهان مطلب ارسال می‌کرد حالا در جایگاهی قرار گرفته که او را ایدم‌پرداز دیدگاه‌های اقتصادی در جریان اصولگرایی تعریف می‌کنند؟

به گزارش انتخاب به نقل از «بازتاب‌نامه»، «اواسط دهه ۶۰ گروهی از کارشناسان سپاه و معاونت اجتماعی وزارت اطلاعات به زندان او ین رفتند تا با زندانیان سیاسی چپ به‌ویژه آنها که به دلیل کم‌تجربگی گرفتار عضویت در گروه‌های مخالف شده بودند، مباحثه کنند. از میان گروهی که برای بحث با زندانیان عازم بندهای سیاسی و امنیتی زندان‌ها شده بودند، دو نام بعدها در فضای رسانه‌ای انعکاس بیشتری یافت. این دو که در نوشته‌های مخالفان‌شان با عنوان برادر حسین – حسین شریعتمداری – و برادر حسن – حسن شایانفر – از آنها نام برده می‌شود، موفق شدند برخی از زندانیان دهه ۶۰ را به نوشتن خاطرات سیاسی‌شان از گروه‌های مخالف تشویق کنند». در بخشی دیگری از این گزارش همچنین قید شده است که



«حمید رسایی نماینده اصولگرایی مجلس – گزارش در زمان مجله هشتم درج شده و رسایی نماینده مجلس هشتم نیز بوده است – و مدیر مسوؤل هفته‌نامه ۱۹ دی از دیگر پرورش‌یافتگان مکتب کیهان است. زمانی که محمدحسین صفارهرندی از کیهان به دولت راه یافت و وزیر ارشاد شد، رسایی به توصیه و سفارش حسن شایانفر در این وزارتخانه به‌کار گرفته شد و مدیریت اداره ارشاد قم را عهده‌دار شد. هرچند او بعدها راه خود را از گردانندگان کیهان جدا کرد و جز نوشتن مقاله‌ای و آرزوی سلامتی برای حسن شایان‌فر، رابطه دیگری با این گروه نداشت». جبرائیلی در این سال‌ها در کیهان شاگرد اول مکتب حسین شریعتمداری و حسن شایانفر است. با تددترین ادبیات در برهه زمانی بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ از «فتنه» سخن گفته و نوشته است. جبرائیلی از نویسندگان حلقه کیهان شریعتمداری است که در مطالبش، روایت دیدار خاتمی و جورج سوروس را مبنای بسیاری از تحلیل‌ها قرار می‌دهد و حتی در سال ۱۳۹۰ در یادداشتی از سیدمحمد خاتمی خواست تا به خاطر «فتنه ۸۸» عذرخواهی کند.

آن‌طور که تحلیل‌گران معتقدند، در مجموع درگیری لفظی میان سیدياسر جبرائیلی و کیان عبداللهی بازتابی از شکاف‌ها و تفاوت دیدگاه‌ها در درون جریان اصولگرایی است. این نزاع حول موضوعاتی همچون نقش مدیریت سیاسی، ظرفیت‌های فردی و معنای جمهوریت شکل گرفته و نشان‌دهنده پیچیدگی‌های سیاسی و رسانه‌ای فضای امروز ایران است. هر دو طرف با استناد به سوابق و دیدگاه‌های متفاوت خود، تقد‌ها و اتهاماتی را مطرح می‌کنند که بازتاب‌دهنده تنش‌های درونی این جریان سیاسی است. جایی که رقابت بر سر تصویر آینده کشور و جایگاه نهادهای نظامی – امنیتی به شدت برجسته شده است. این مناقشه علاوه بر نمایان کردن چالش‌های فکری اصولگرایان نسل جدید، نشانه‌ای از تحولات و بازتعریف‌های سیاسی در سال‌های اخیر نیز محسوب می‌شود.

نمی‌کنید؟ در مورد گرانی‌ها و فشار اقتصادی و تورم چرا حرفی برای گفتن ندارید، انسجام و همبستگی ملی که اینگونه فراهم نمی‌شود، کجای دنیا سراغ دارید که عوامل به وجود آورنده چنین اوضاعی راست‌راست جلو چشم مردم راه بروند؟ کدام آموزش، کدام راهکار، کدام نقشه راه؟

نمی‌شود که در اتاق‌های در بسته بدون حضور مردم، نخبگان و متخصصین تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کرد سپس به آنان دیکته نمود. مگر همین مردم از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب در بدترین شرایط پای کار کشور و بسیار سریع‌تر از مسئولین نایستادند؟ آقایان وقت تگ است، آنجهان دچار سیاسی‌بازی و میج‌گیری شده‌اید که همواره حاشیه‌ها را فراتر از متن دیده‌اید. از حرف زدن با مردم و با زبان آنان و برای آنان خوف نکندید مگر مردم باغ بالا و باغ پایین از شما طلب کرده‌اند؟ مگر مردم جز یک زندگی آرام و آبرومند چیز دیگری هم خواسته‌اند، فتنیه شعارها را بسیار پایین بکشید و بروید در دالانی که بر دیواره آن نگاشته شده چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است....!!!!

بایکوت حقیقت

حمله اسرائیل به چادر خبرنگاران و کشته شدن ۵ خبرنگار الجزیره با واکنش‌های جهانی روبه‌رو شد

گروه بین‌الملل: حمله جنگنده‌های اسرائیل (شامگاه یک‌شنبه) به چادر خبرنگاران و بمباران محل اقامت آنها در نزدیکی مجتمع بیمارستانی الشفاء در شهر غزه موجب جان باختن ۵ خبرنگار شد. بر اساس اعلام دفتر اطلاع‌رسانی دولتی در غزه «انس الشریف» و «محمد قریقع»، «ابراهیم ظاهر» (تصویربردار)، «مؤمن علیوه» (تصویربردار) و «محمد نوفل» (دستیار تصویربردار) خبرنگاران کشته شده در این حمله تروریستی بوده‌اند. دو نفر از افراد کشته شده، خبرنگاران شبکه الجزیره بوده‌اند. با این حساب تعداد خبرنگارانی که تاکنون در جریان جنگ در نوار غزه توسط ارتش اسرائیل کشته شده‌اند به ۲۳۷ نفر رسید. دفتر اطلاع‌رسانی دولتی در غزه از اتحادیه بین‌المللی خبرنگاران، اتحادیه خبرنگاران عرب و سازمان‌های بین‌المللی خبرنگاری و حقوق بشر در سراسر جهان خواسته تا این جنایات را محکوم کنند. ارتش اسرائیل ضمن پذیرش انجام این حمله مدعی شد که الشریف به عنوان فرمانده یک سلول تروریستی وابسته به حماس فعالیت می‌کرده و در پیشبرد حملات موشکی علیه غیرنظامیان اسرائیلی و نیروهای ارتش نقش داشته است. مقامات اسرائیلی ادعا کردند که اسناد و مدارکی در غزه

یافته‌اند که این موضوع را اثبات می‌کند اما نهادهای حقوق بشری این ادعا را فاقد شواهد معتبر دانسته و هدف اصلی این حمله را خاموش کردن صدای خبرنگاران می‌دانند. الجزیره با توصیف الشریف به عنوان یکی از شجاع‌ترین خبرنگاران غزه، این حمله را تلاشی ناامیدانه برای خاموش کردن صداها پیش از اشغال غزه خواند. ماه گذشته، سخنگوی ارتش اسرائیل، ویدیویی از الشریف در شبکه ایکس منتشر و او را به عضویت در شاخه نظامی حماس متهم کرده بود؛ اتهامی که «ایرته خان»، گزارشگر ویژه سازمان ملل در حوزه آزادی بیان، آن را بی‌اساس و حمله آشکار به خبرنگاران خواند.

واکنش‌ها چه بود؟

کمیته حمایت از خبرنگاران در بیانیه‌ای اعلام کرد که الگوی اسرائیل در توصیف خبرنگاران به‌عنوان «تروریست» بدون ارائه ادله موثق، نگرانی‌های جدی در مورد نیت اسرائیل ایجاد می‌کند. این کمیته همچنین تأکید کرد که خبرنگاران افراد غیرنظامی هستند و هرگز نباید هدف قرار گیرند. کمیته حمایت از خبرنگاران همچنین بر لزوم بازخواست مسئولان این جنایات

دیپلماسی

مابه‌ازای لغو تحریم‌ها

مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزیر امور خارجه اعلام کرد که ایران در قبال لغو تحریم‌های آمریکا پذیرش محدودیت بر توسعه هسته‌ای برای مدت معین را می‌پذیرد

فرشاد گلزاری

گروه بین‌الملل



مذاکرات ایران و ایالات متحده یکی از موضوعاتی است که این روزها زیر ذره‌بین تحلیلگران و ناظران بین‌المللی قرار دارد و همه به دنبال آن هستند تا ببینند، مقامات ارشد کشورمان چه واکنشی در این خصوص اتخاذ می‌کنند؛ چراکه در آستانه ششمین دور از مذاکرات میان ایران و آمریکا که با میانجی‌گری عمان برگزار شده بود، اسرائیل حملاتی را به ایران انجام داد که به زعم بسیاری از مقامات و کارشناسان باید آن را مصداق بارز حمله به میز مذاکره دانست. این در حالی است که قبل از این حملات، اختلاف‌های متعددی در مذاکرات ایران و آمریکا وجود داشت که اصلی‌ترین آن را باید تأکید واشنگتن بر غنی‌سازی صفر درصد دانست که ایران در این خصوص صراحتاً اعلام کرده بود، این امر شدنی نیست و آن را نمی‌پذیرد که البته بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران توسط بمب‌افکن‌های ایالات متحده موجب شد تا تنش سیاسی بالا برود. با این تفاسیر حالا مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگو با خبرگزاری کیدو ژاین اعلام کرده که ایران در ازای لغو تحریم‌های آمریکا علیه ایران، محدودیت‌هایی بر توسعه هسته‌ای را برای مدت معینی می‌پذیرد و تهران می‌تواند به عنوان بخشی از یک توافق برد-برد و عادلانه با محدودیت‌های موقت بر فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز خود موافقت کند. تخت‌روانچی در ادامه این مصاحبه گفت که «ایران می‌تواند در مورد ظرفیت‌ها و محدودیت‌های غنی‌سازی انعطاف‌پذیر باشد اما نمی‌تواند تحت هیچ شرایطی با توقف غنی‌سازی موافقت کند؛ زیرا این امر ضروری است و ما باید به خودمان تکیه کنیم نه به وعده‌های توخالی. ساده و واضح است؛ اگر ایالات متحده بر غنی‌سازی صفر اصرار داشته باشد، پس ما هیچ توافقی نداریم».

دریافت غرامت پیش شرط مذاکرات نیست

او با بیان اینکه ایالات متحده با تظاهر به گفت‌وگو، ما را فریب داد، گفت که ایران آماده گفت‌وگو با ایالات متحده است اما ایالات متحده باید روشن کند که آیا واقعاً به گفت‌وگوی برد-برد علاقه‌مند است یا به تحمیل اراده خود. معاون وزیر خارجه ایران خواستار پاسخگویی در مورد دلایل حمله به منظور ایجاد گفت‌وگوی صادقانه شد و گفت اگرچه دریافت غرامت از بابت حملات متجاوزانه، پیش‌شرط مذاکرات آینده نیست اما این



کل آژانس امدادرسانی و کارایی سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی (آنروا) در واکنش به ترور خبرنگاران در غزه تصریح کرد که ارتش اسرائیل به ساکت کردن صداهایی که اقدامات شنیع آن را در غزه انعکاس می‌دهند، ادامه می‌دهد. محمد بن عبدالرحمان آل‌ثانی، نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر هم تأکید کرد که حمله عامدانه به خبرنگاران، جنایات فجیعی که اسرائیل در نوار غزه مرتکب می‌شود را پنهان نمی‌کند. دیده‌بان حقوق‌بشر اروپا-مدیترانه هم تأکید کرد که ترور خبرنگاران در حمله اخیر اسرائیل در چارچوب سیاست سیستماتیک اسرائیل با هدف ساکت کردن حقیقت صورت می‌گیرد، چیزی که بنیامین نتانیاهو، جنایتکار جنگی تحت تعقیب دیوان کیفری بین‌المللی، ساعاتی قبل از این جنایت در کنفرانس مطبوعاتی خود سعی در انکار آن داشت.

ادامه یادداشت روز

پیدا و پنهان یک توافق

در این توافق‌نامه ارمنستان نسبت به آذربایجان دست بالا را پیدا کرده است. هم حاکمیت خود را بر استان سیونیک اعمال می‌کند و هم با ورود شرکت سرمایه‌گذار آمریکایی، هزینه مالی پروژه را تأمین می‌کند و هم سالیانه درآمد ۳۰ درصدی را از شرکت آمریکایی دریافت می‌کند که برای اقتصاد ضعیف ارمنستان خیلی اهمیت دارد. از طرفی آذربایجان که خواهان حق حاکمیت بر جنوب استان سیونیک بود، نتوانست نخبان را به خاک اصلی خودش متصل کند ولی از طریق این مسیر مستقیم به ترکیه وصل می‌شود و مسیر ایران را کنار می‌زند.

اینکه در داخل کشورمان تحلیل می‌شود با این توافق‌نامه، ناتو در کنار مرز ما مستقر می‌شود، اغراق‌آمیز است و یا اینکه شرکت آمریکایی باعث نفوذ آمریکا در منطقه می‌شود و مزاحمتی برای مسیر ترانزیتی ایران ایجاد می‌کند، جای بحث دارد. اولاً ناتو یک بار در افغانستان مشارکت کرد که اکثر کشورها از این دخالت پشیمان شدند؛ به طوری که بعد از حمله آمریکا به عراق، آمریکا نتوانست کشورهای ناتو را راضی کند که در عراق نقش بازی کنند. در آن زمان هم گفته شد که وظیفه ناتو این است که از امنیت اروپا در مقابل روسیه دفاع کند و در جنگ اوکراین نیز نقش خود را به خوبی بازی کرد.

در صورت امضای قرارداد بین ارمنستان و شرکت آمریکایی که به ماهدای آینده متوکل شده از حالا باید با دولت ارمنستان وارد گفت‌وگو شد تا هر شرکتی که مدیریت این مسیر را به عهده می‌گیرد در قرارداد قید شود که حق مسدود کردن و یا مزاحمت برای مسیر ترانزیتی جنوبی- شمالی ایران را ندارد. حتی نخست‌وزیر ارمنستان اعلام کرد که قرار است یک مسیر ریلی از ایران به سمت استان سیونیک کشیده شود که پس از امضای توافق‌نامه، این خود یک نوع اطمینان‌دهی به ایران تلقی می‌شود.

در حالی که جمهوری اسلامی ایران خود اعلام کرده که در صورت توافق آمریکا، ایران حاضر است غنی‌سازی را در قالب یک کنسرسیوم که آمریکا نیز عضو باشد، ادامه دهد و یا مانعی برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در ایران وجود نخواهد داشت این میزان تبلیغات منفی برای حضور احتمالی یک شرکت آمریکایی در ارمنستان به صلاح نیست و می‌تواند ما را در انزوا قرار دهد. ایران باید از طریق ارمنستان ضمانت بگیرد که مسیر جنوبی- شمالی مورد اختلال قرار نمی‌گیرد.

آنچه مسلم است، ایران باید از طریق مذاکرات بر تحریم‌ها غلبه کند. روند فعلی با این تورم سرسام‌آور و ناترازی‌ها برای مدت طولانی نمی‌تواند ادامه پیدا کند. توافق و رفع تحریم‌ها می‌تواند، باعث شود که ایران هم در تحولات اقتصادی قفقاز جنوبی و حتی استفاده از این مسیر بهره‌برد. هر چند حضور یک شرکت آمریکایی موجب نگرانی بعضی‌ها در داخل کشور شده است ولی مطمئن هستیم که نه آذربایجان، نه اسرائیل و نه ترکیه از این توافق‌نامه دست‌ساز ترامپ از ته دل راضی نیستند. این هم می‌تواند یک امتیازی برای ایران باشد که با کو نمی‌تواند، حاکمیت خود را بر جنوب سیونیک اعمال کند و این ارمنستان خواهد بود که کاملاً بر استان سیونیک خود تسلط خواهد داشت. خواسته‌ای که برای ایران از ابتدا مورد توجه بوده است.

تأکید کرد و خواستار اتخاذ اقدامات فوری برای حفاظت از خبرنگاران و آزادی مطبوعات شد. اسپن بارت ایده، وزیر امور خارجه نروژ در واکنش به این اقدام ارتش اسرائیل اعلام کرد که کشتار بیش از ۲۰۰ خبرنگار و اصحاب رسانه در غزه، این شهر را به خطرناک‌ترین منطقه برای خبرنگاران در جهان تبدیل کرده است. او همچنین گفت که حملات عمدی علیه خبرنگاران در غزه به منزله حمله به آزادی بیان و برخلاف قوانین بین‌المللی است که خبرنگاران باید غیرنظامی شناخته شوند و از حمله علیه آنها به ویژه در مناطق درگیر جنگ امتناع شود. گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد حق آزادی بیان در واکنش به شهادت جمعی از خبرنگاران به دست ارتش اشغالگر در نوار غزه، تأکید کرد که اسرائیل با این کار می‌خواهد، حوادث غزه را از چشم جهانیان پنهان کند. فیلیپ لازارینی، کمیسر

باقی خواهد ماند و تهران آماده است تا با دیده‌بان هسته‌ای سازمان ملل برای تضمین بازرسی‌های ایمن و شفاف، از جمله در تأسیسات آسیب‌دیده در حملات اخیر، مطابق با دستورالعمل‌های جدیدی که با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی توافق خواهد شد، همکاری کند.

عراقی: زمان دور بعدی مذاکرات تنظیم نشده است

در این راستا سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه (یک‌شنبه) در حاشیه جلسه هیأت دولت در خصوص دور بعدی مذاکرات با اروپا اعلام کرد که تماس‌های ما با طرف مقابل ادامه دارد و بحث‌ها همچنان مطرح است. موضع ما کماکان روشن است؛ از نظر ما «اسنپ‌بک» موضوعیت ندارد و اروپا نمی‌تواند چنین اقدامی انجام دهد. اروپایی‌ها با توجه به موضعی که اتخاذ کرده‌اند اصولاً دیگر از نظر ما مشارکت‌کننده در برجام محسوب نمی‌شوند. البته بحث‌های فنی و حقوقی در این خصوص وجود دارد که همکاران من در تماس با آنها هستند. وی در رابطه با دور بعدی مذاکره با آمریکا نیز گفت که دور بعدی مذاکرات فعلاً تنظیم نشده و هنوز هیچ چیز قطعی نیست. مذاکره غیرمستقیم هم تاکنون قطعی نشده و من هیچ کشوری را در این زمینه تأیید نمی‌کنم.

تکذیب میزبان نروژ

در این راستا اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه کشورمان هم (دوشنبه) در نشست خبری هفتگی خود در پاسخ به این سؤال که ادعا شده، نروژ میزبان دور بعدی مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و ایالات متحده خواهد بود و آیساً چنین خبری را تأیید می‌کنید، گفت: خیر، چنین خبری را تأیید نمی‌کنیم. او همچنین گفت که گفت‌وگوها بین ایران و آمریکا در مورد موضوعات مختلف از طریق واسطه‌ها در صورت لزوم ادامه دارد از جمله از طریق حافظ منافع آمریکا در ایران و کشورهای که در یک سال گذشته، پیام‌هایی را در مواردی رد و بدل کرده‌اند ولی همان‌طور که اشاره کردم در مورد انجام مذاکره تاکنون هیچ تصمیمی اتخاذ نشده است.

بقایی همچنین در مورد میانجیگری مصر میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت که قاهره میانجی ایران و آژانس نیست و ما با آژانس در ارتباط هستیم. هیأت آژانس در ایران است و ما نیازی به میانجی در این زمینه نداریم.

هنر جهان

آینه یک رفاقت

نمایشگاهی از **عکس‌های پل مک‌کارتنی** از دوران اولیهٔ گروه «بیتلز»



عکس‌های دوران اولیه گروه موسیقی «بیتلز» که توسط پل مک‌کارتنی به ثبت رسیده‌اند، قرار است در نمایشگاهی به نمایش گذاشته شود که نوری بر لحظات صمیمی نخستین تجربه‌های گروه پیش از شهرت می‌اندازد.

به گزارش گاردین، نمایشگاه «آینه عقب: لیورپول – لندن – پاریس» که از ۲۸ آگوست در گالری گاگوسیان واقع در لندن افتتاح می‌شود شامل ۱۸ عکس است که توسط این خواننده و ترانه‌سرا در اواخر سال ۱۹۶۳ میلادی پس از انتشار نخستین آلبوم «بیتلز» و اوایل ۱۹۶۴ میلادی زمانی که به آمریکا سفر کردند، گرفته شده است.

جاشوا چوانگ، مدیر بخش عکاسی در «گاگوسیان»، گفت این تصاویر «بیتلز» را پیش از شهرت فراگیری که چند ماه بعد به وجود آمد به تصویر کشیده‌اند. چوانگ گفت: «فکر می‌کنم آن‌ها می‌دانستند که تاریخ در حال شکل‌گیری است. می‌خواستند آن را ثبت کنند و خودشان این کار را انجام دهند. وقتی زندگی این‌قدر سریع اتفاق می‌افتد و تغییر می‌کند معمولاً فرصت ندارید، بایستید و خودتان را در آینه نگاه کنید و من واقعاً فکر می‌کنم دقیقاً همین کاری است که او انجام می‌دهد: نگاه کردن به خودش در حال و تلاش برای ثبت آن لحظه، بدون دانستن این‌که قرار است چه اتفاقی بیفتد.» برخی از این تصاویر در سال ۲۰۲۳ در نمایشگاه Paul McCartney Photographs ۱۹۶۳–۶۴: Eyes of the Storm) (عکس‌های پل مک‌کارتنی ۱۹۶۳–۱۹۶۴: چشم‌ان طوفان) که مجموعه عکس‌هایی بود که او در دوران همه‌گیری دوباره کشف کرده بود به نمایش درآمدند. مک‌کارتنی در پاییز ۱۹۶۳ میلادی خیلی پیش‌تر از آن‌که او و گروهش به یکی از بیشترین افراد عکاسی شده روی کره زمین تبدیل شوند، تصمیم گرفت دوربین به دست بگیرد. او یک دوربین ساده Pentax خرید و عمدتاً از فیلم سیاه‌وسفید کدک و ایلفورد استفاده کرد و در اوایل ۱۹۶۴ تعداد کمی عکس رنگی گرفت. همچنین خودنگاره‌های تأمل‌برانگیزتری وجود دارد که پیش از اجراهای زنده و مصاحبه‌ها گرفته شده‌اند. این تصاویر دوره‌ای را پوشش می‌دهند که گروه در بریتانیا شناخته‌شده بودند اما در سفر به خارج هنوز ممکن بود با بی‌توجهی روبه‌رو شوند. عکس‌های مک‌کارتنی از پاریس نشانه‌ای از واکنشی نه‌چندان پرشور در پایتخت فرانسه دارد. او جمعیت نسبتاً کم بیرون «المپیا» جایی که سه هفته اجرا داشتند و قدم زدن در «شانز‌لیزه» را ثبت کرده، جایی که «جان‌لئون» هنوز می‌توانست، آزادانه قدم بزند.

از مردان معدنچی تا بیتلز

جان‌لئون در دوران دبیرستان گیتار می‌زد که با پل مک‌کارتنی آشنا شد و در مارس ۱۹۵۷ گروه موسیقی راک‌اند رول «مردان معدنچی» را پایه گذاشتند. قبل از آن در چند اجرای محدود، آن‌ها نام «بلک‌جک‌ها» را روی خودشان گذاشته بودند. اما چون در مدرسه «بانک معدن» درس می‌خوانند، نام «مردان معدنچی» را برای خود انتخاب کردند. ترانه‌ای که آن‌ها هر روز در مدرسه می‌خواندند، این‌گونه شروع می‌شد: «معدنچی‌ها، قبل از تولد هم قدرتمند بودند.» با اضافه شدن جورج هریسون و رینگو استار گروه آن‌ها کامل شد. در اکتبر ۱۹۵۹ جان‌لئون، پل مک‌کارتنی و جورج هریسون به دعوت برنامه تلویزیونی «کارول لی‌وایز» پاسخ مثبت دادند و در آن برنامه خود را «Johny and the moondogs» معرفی کردند. در سال ۱۹۶۰ عضو جدید

گروه، استیوارت ساتکلیف که برای خود نام «سوسک» (beetle) را انتخاب کرده بود، این ایده را به وجود آورد که نامی با ترکیب سوسک برای گروه انتخاب شود و در نهایت به نام «Beatles» رسیدند و این‌گونه «بیتلز» به دنیا آمد. جان‌لئون، پل مک‌کارتنی، رینگو استار و جورج هریسون اعضای این گروه به‌زودی تبدیل به ستاره‌های موسیقی راک و پاپ بریتانیا شدند. اعضای بیتلز با لهجه لیورپولی اصیل‌شان آوازی می‌خواندند و در مصاحبه‌های مختلف، ایایی نداشتند که با همین لهجه صحبت کنند. این در حالی بود که تا آن زمان هیچ‌کس در صحبت‌های رسمی یا خواندن آواز و حتی در فیلم‌های سینمایی با لهجه‌ای غیر از لهجه رسمی لندن صحبت نمی‌کرد. اما بیتلزی‌ها از همان آغاز سعی نکردند، لهجه‌شان را در میان سازها مخفی کنند. آن‌ها سبک خودشان را آفریده بودند و بر همین مبنا سعی می‌کردند، اورجینال باشند. شهرت بیتلز با حضورشان در یک شوی تلویزیونی آمریکایی به سال ۱۹۶۴ از مرزهای بریتانیا فراتر رفت و به عنوان یکی از مشهورترین گروه‌های موسیقی جهان بر سر زبان‌ها افتاد.

بیتلز در دوران فعالیت‌شان ۱۲ آلبوم رسمی منتشر کردند. اولین آن‌ها آلبوم موفق «Please, Please me» بود که در مارس ۱۹۶۳ به بازار عرضه شد. آهنگ اصلی آلبوم در صدر جدول موسیقی بریتانیا و ایالات متحده قرار گرفت و همین آهنگ باعث شهرت و محبوبیت آن‌ها شد. آن‌ها همان سال آلبوم دومشان به نام «با بیتلز» را نیز منتشر کردند. سنت دو آلبوم در یک سال طی سال‌های ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ هم تکرار شد و بیتلزی‌ها، در عرض سه سال ۶ آلبوم بسیار موفق ارائه کردند تا نشان دهند که آمده‌اند تا رکوردها را جابه‌جا کنند. در سال ۱۹۶۴ پنج ترانهٔ آن‌ها به ترتیب در جایگاه اول تا پنجم پرفروش‌ترین ترانه‌های بریتانیا قرار گرفت و پیش از آغاز سال ۱۹۶۵ در جدول ۵۰ آهنگ پرفروش سال ۲۹ آهنگ متعلق به بیتلز بود. باورکردنی نبود. اما آن‌ها آن‌چنان محبوبیتی کسب کرده بودند که هر چه می‌گفتند را جوانان با ولع می‌بلعیدند. جان‌لئون اوایل گفته بود: «روزی می‌رسد که ما به بزرگی الویس پریسلی شویم.» اما آن‌ها الویس را نیز پشت سر گذاشتند. سفرهای موفق در سرتاسر بریتانیا و آمریکا برقرار بود و هر آهنگ جدید بیتلز به جدول پرفروش‌ها راه پیدا می‌کرد. آن‌ها وارد زندگی جوانان هم‌عصر خود شده بودند و هر چه می‌پوشیدند یا هر چه می‌گفتند با سرعتی باورنکردنی، همه‌گیر می‌شد. پس از گذشت چندی اعضای بیتلز علاوه بر همکاری در گروه به صورت انفرادی نیز موسیقی اجرا می‌کردند. بالا گرفتن تنش میان لئون و مک‌کارتنی دو عضو اصلی بیتلز که بیشتر آهنگ‌های این گروه ساخته آن‌هاست، منجر به پاشیدن گروه از هم در سال ۱۹۷۰ شد.



از جنس علم و فرهنگ

یادی از **عباس زریاب خویی** در صدوششمین سال‌روز تولدش

قرآن را به تمامی فراگرفت و پس از آن به دبستان سپرده شد. در آن هنگام در خوی تا دوره دوم متوسطه بیستر کلاس‌ها تشکیل نمی‌شد و هر کس قصد داشت پیش از این دوره ادامه تحصیل دهد باید به ارومیه یا تبریز می‌رفت. خانواده زریاب نه به لحاظ مالی و نه به جهت علاقه و تمایل برای یادگیری فرزندشان چنین اراده‌ای نداشتند و در نتیجه او در خوی ماند و بیشتر به حضور در کلاس درس مدرسان دینی ادامه داد و بسیاری از کتب آنان را مطالعه کرد.

از قم تا آلمان

سال ۱۳۲۶ به تشویق یکی از طلاب شهر، راه قم را در پیش گرفت و در مدرسه ناصری این شهر اقامت کرد. در آن‌جا زریاب از محضر اساتیدی چون آیت‌الله محقق‌داماد، حاج ملاهادی سبزواری، امام خمینی، سیداحمد خسروشاهی، شیخ محمدعلی کرمانی، آیت‌الله سیدصدرالدین صدر، آیت‌الله‌مرعشی‌نجفی و سیدمحمدحجت کمره‌ای بهره برد. به علاوه در این دوران از شریعت سنگلجی بسیار تأثیر گرفت. عباس زریاب مدت ۶ سال را تا ۱۳۳۲ در قم گذرانید و پس از آن به جهت بیماری پدرش، راهی خوی شد و مدتی را در این شهر به تدریس پرداخت و هم‌زمان در دانشکده معقول و منقول تهران پذیرفته شد. به هنگام حضورش در تهران به فهرست‌نگاری در کتاب‌خانه مجلس مشغول شد. کاری که به جهت سالیان طولانی مطالعه و آشنایی با زبان عربی در آن تحریر تمام داشت. هم‌چنین در طرح ترجمه «دائرةالمعارف اسلام» همکاری کرد. هرچند این پروژه ناتمام ماند اما این امر آغازی برای آشنایی او با کار دایرالمعارف‌نویسی بود. دو سال بعد از حضور در پایتخت، زریاب توانست از بورس مطالعاتی یکی از مهم‌ترین بنیادهای علمی – فرهنگی آلمان به نام «مؤسسه هومبولت» استفاده کند و به مدت پنج سال راهی آن کشور شد و پیرامون تاریخ، معارف اسلامی، فلسفه و فرهنگ به مطالعه و تحقیق پرداخت. در بازگشت از آلمان، او کار تدریس در آموزش و پرورش را از سر گرفت و هم‌زمان در دانشگاه تهران نیز مشغول به تدریس شد و ریاست گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران را عهده‌دار شد. مدت کوتاهی پس از بازگشت به ایران والتر هنینگ، خاورشناس و ایران‌شناس آلمانی و انگلیسی به آمریکا رفت تا در شعبه برکلی دانشگاه کالیفرنیا تدریس

مردی که بسیار مطالعه می‌کرد و اگرچه در میان فضایی سرشار از درگیری قومی و مذهبی زاده شده بود اما همواره از خشونت گریزان بود. خوش‌سیما و خوش خلق بود و از آن‌جا که بسیار می‌دانست، مرجع مورد اعتماد بسیاری از دانشجویان و همکاران خود بود. عباس زریاب‌خویی از پس سال‌های پژوهش بر طیف مختلفی از علوم از ادبیات گرفته تا عرفان و تاریخ و فلسفه آشنایی داشت و به زبان‌های گوناگون مسلط بود. پرخوان و بسیاردان بود اما هرگز مدعی نشد. شاید سرنوشت می‌توانست او را به هنگام تولد به مردی گمنام و بی‌سواد در خوی مبدل کند ولی همتش چنان بود که به زودی توانست در بزرگ‌ترین دانشگاه‌های جهان تدریس کند و به یکی از نامورترین افراد در حوزه مطالعاتی خود مبدل شود.

یادگیری در میانه بی‌سوادی

عباس زریاب‌خویی در ۲۰ مرداد ۱۲۹۸ در شهر خوی آذربایجان غربی چشم به جهان گشود. البته با توجه به عدم دقتی که در آن زمان در باب ثبت تاریخ‌های دقیق تولد وجود داشت، نمی‌توان در مورد دقت این تاریخ با اطمینان سخن گفت و خودش در زندگی‌نامه خودنوشتی که به رشته تحریر درآورده در این باره اشاره می‌کند که پدرش تاریخ تولد او را به‌طور تقریبی از روی تاریخ قمری که دایی او به عنوان تنها فرد باسواد خانواده پشت قرآن نوشته، برای مأموریت ثبت احوال ۱۳۳۷ ذکر کرده است. سال‌های کودکی او با دوران تحولات تاریخی به ویژه در منطقه آذربایجان همراه بود. انقلاب اکتبر به ثمر نشسته بود و روسیه پس از سال‌ها حضور در این نواحی، سربازان خود را از منطقه تخلیه کرده بود و این امر هم‌زمان دوره‌ای از رکود اقتصادی و ورشکستگی را در این نواحی پدید آورده بود. در نتیجه موجی از مهاجرت به نواحی قفقاز شکل گرفته بود. همین مهاجرت‌ها بود که در سال‌های آتی، سیلی از افکار سوسیالیستی را به داخل ایران سرازیر کرد. به‌رغم این بستر بسیار سیاسی شده که اغلب در آستانه خشونت قرار داشت، زریاب در دوران کودکی و نوجوانی تلاش داشت خود را از خشونت‌های نهفته در سیاست و طغیان‌تصیبات قومی، دینی و اجتماعی دور نگاه دارد.

او در خانواده‌ای به دنیا آمده بود که کمتر کسی در آن سواد داشت اما به شکیوه‌ای عجیب، شوق خواندن و یادگیری داشت. با توجه به این علاقه، مادرش او را نزد معلم قرآن محله برد و در مدت دو سال خواندن

گزارش

حضور رئیس‌جمهور

در جمع خبرنگاران

گردهمایی صدای حقیقت، روایت ایران برگزار شد

چند نکته داخلی اشاره می‌کنم:

صالحی افزود: نکته اول این است که خبرنگاری در ایران در دهه‌های اخیر همیشه در «شرایط حساس کنونی» بوده است؛ یعنی



گردهمایی روز خبرنگار با عنوان «صدای حقیقت، روایت ایران» با حضور مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور، محسن حاجی‌میرزایی رئیس دفتر رئیس‌جمهور، سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونان و مدیران وزارت فرهنگ و جمعی از خبرنگاران و اهالی رسانه عصر یک‌شنبه (۱۹ مرداد) در محوطه تالار وحدت برگزار شد.

رئیس‌جمهور در بدو ورود با خبرنگاران فرهنگ‌و‌هنر که در این ضیافت حضور داشتند، صحبت کرد و روز خبرنگار را به آنها تبریک گفت. خبرنگار سازندگی در گفت‌وگو با رئیس‌جمهور ابراز امیدواری کرد، عملکرد مدیران این وزارت‌خانه طوری باشد که هنرمندان در پایان عمر دولت از رأی خود پشیمان نباشند و دوباره در انتخابات شرکت کنند. او همچنین گلایهایی از ابراز نارضایتی هنرمندان نسبت به عملکرد معاونت هنری وزارت ارشاد و برخی دیگر از معاونت‌ها مطرح کرد.

پس از دیدار رئیس‌جمهور با خبرنگاران و پخش چند کلیپ، سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در سخنانی اظهار کرد: در این محفل صمیمی یاد خبرنگاران شهید را گرامی می‌داریم؛ شهید صامی و ۱۲ خبرنگار رسانه‌ای که در ایام جنگ تحمیلی ۱۲ روزه به شهادت رسیدند و بیش از ۲۰۰ شهید خبرنگار غزه و همه کسانی که تا پای جان، پای تعهد به روایت و حقیقت ایستادند.

او ضمن گرامیداشت یاد و خاطر خبرنگاران شهید گفت: خبرنگاری شغل سختی است اما در این روزگار سخت‌تر هم شده است؛ در این زمینه به وجوه خارجی و جهانی آن نمی‌پردازم اما به



گزارش: سینمای ایران

استعفای دهکردی و انتخاب اسعدیان

مدیرعامل خانه سینما تغییر کرد

دریافت وام اعضای این تشکل صنفی از این صندوق را تسهیل کرده بود و آنها بدون انجام مراحل طولانی، موفق به دریافت وام از این صندوق می‌شدند.

حالا همایون اسعدیان به جای دهکردی نشسته است که او هم چهره‌ای آشنا برای اهالی خانه سینماست و سال‌ها تجربه فعالیت صنفی را هم به همراه دارد. اسعدیان دبیری شورای صنفی نمایش را عهده‌دار است و معلوم نیست حالا که به عنوان مدیرعامل انتخاب شده، می‌تواند همچنان در این سمت حضور داشته باشد یا نه. او علاوه بر حضور در هیات مدیره انجمن کارگردانان، سال‌ها در سمت‌های مختلف در خانه سینما حضور داشته که سابقه حضور در شورای صنفی نمایش بیش از دیگر فعالیت‌های اوست. این کارگردان سینما در طول بیش از سه دهه فعالیت هنری خود فیلم‌هایی همچون «مرد آفتابی»، «طلا و مس»، «بوسیدن روی ماه» همچنین سریال تلویزیونی «لحظه گرگ و میش» را ساخته است.

اسعدیان هم که سال‌ها تجربه فعالیت صنفی دارد با زیربوم اداره خانه سینما به خوبی آشناست و از سوی دیگر از ظرفیت‌های این تشکل صنفی به خوبی آگاه است. تعامل با نهادهای دولتی را هم به خوبی می‌شناسد و آشنایی با مدیران سینمایی دولتی، راه را برای مدیریت او هموارتر می‌کند.

این کارگردان که این اواخر بیشتر به عنوان تهیه‌کننده در فیلم‌های سینمایی و سریال‌های شبکه نمایش خانگی فعالیت کرده از دشواری‌های تولید و فعالیت‌های سینمایی اعضا آگاهی دارد و بسیاری از اهالی سینما را از نزدیک می‌شناسد. اسعدیان به لحاظ صنفی نزدیکی بیشتری با کارگردانان دارد و در گذشته اختلافاتی با چند تهیه‌کننده عضو اتحادیه تهیه‌کنندگان از جمله محمدحسین فرحبخش داشت که احتمالا تا به امروز هم ادامه پیدا کرده است و با مدیریت او بر خانه سینما این افراد همچنان دست از مخالفت‌های خود با این تشکل صنفی برندخواهند داشت. با همه اینها اسعدیان هم مانند دهکردی تلاش می‌کند از هر حاشیه‌ای در طول دوران حرفه‌ای خود دوری کرده چراکه عادت به چنجال و حاشیه‌سازی ندارد. به همین دلیل پیش‌بینی می‌شود دوران مدیریت او هم بی‌حاشیه باشد مگر اینکه مشکلات جدی میان نهادهای دولتی و خانه سینما رخ دهد که او را ناچار به واکنش کند.

شاید طول مدیریت اسعدیان بر این تشکل صنفی بیش از دهکردی به طول انجامد و او بتواند در دوره طولانی‌تری در خانه سینما به مدیریت ادامه دهد.

پیش از دهکردی و برومند، منوچهر شاهسواری، رضا میرکریمی، محمد مهدی عسگرپور، سیدضیاء هاشمی، ابوالحسن داودی، منوچهر محمدی، یدالله صدی، احمدرضا درویش، تورج منصوری و محمد آقاجانی به همراه منوچهر عسگری‌نسب از سینماگرانی هستند که در طول بیش از ۳۰ سال فعالیت خانه سینما، مدیریت این نهاد صنفی را برعهده داشتند.

همایون اسعدیان کارگردان و تهیه‌کننده سینما، مدیرعامل خانه سینما شد. اسعدیان به جای علی دهکردی نشست که یک سال و ۹ ماه به‌عنوان مدیرعامل در خانه سینما حضور داشت. پیش از این دهکردی به دلیل مشغله زیاد و حضور در پروژه‌های مختلف، استعفای خود را تقدیم هیأت رئیسه این تشکل صنفی کرده بود.

طبق اعلام روابط عمومی خانه سینما، متن انتصاب همایون اسعدیان از سوی هیأت رئیسه خانه سینما که به امضای محمد مهدی عسگرپور رسیده به شرح زیر است:

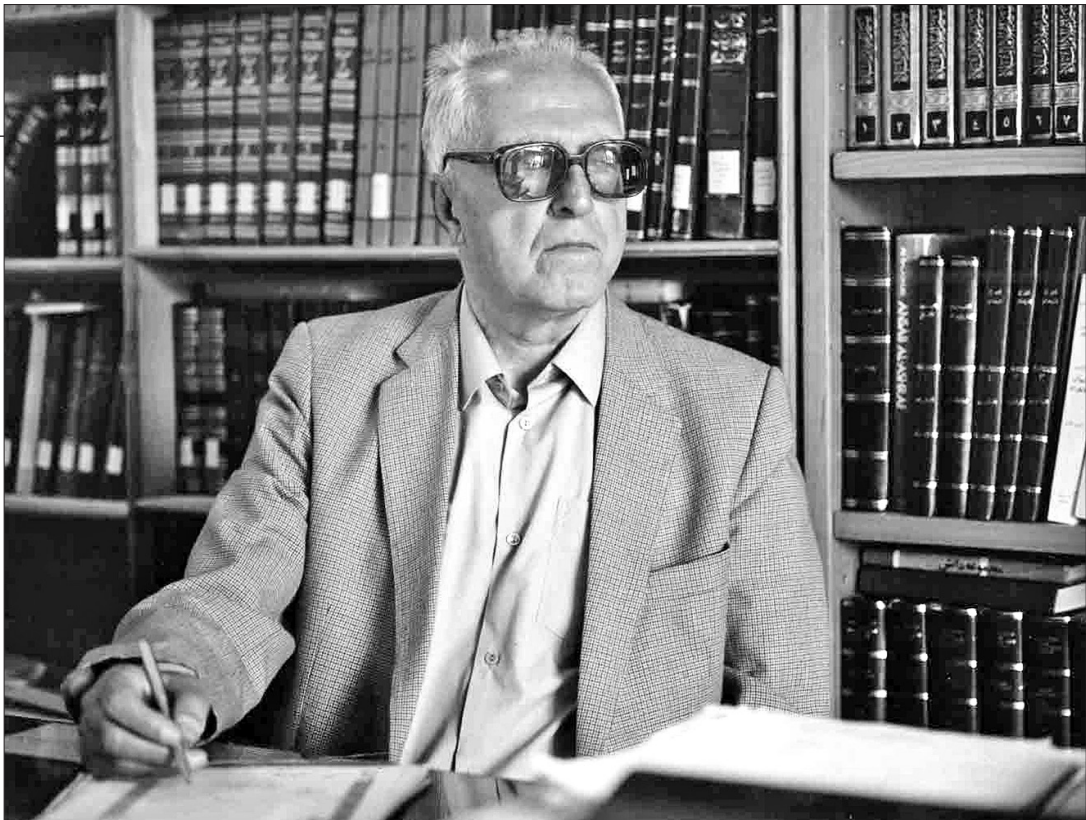
جناب آقای همایون اسعدیان
با توجه به استعفای جناب آقای علی دهکردی از مدیریت عامل خانه سینما به دلیل مشغله حرفه‌ای و با عنایت به توانایی‌ها و سوابق ارزشمندتان، ضمن تشکر بابت پذیرش دعوت هیأت رئیسه، جنابعالی را به سمت مدیرعامل خانه سینما منصوب می‌نمایم.
لازم است از جناب آقای علی دهکردی که با آگاهی از مواجهه با دوره‌ای سخت و دشوار، همدلانه این مهم را پذیرا شده و در دوران مسئولیت‌شان با حسن خلق و دقت فراوان در انجام امور تلاش فراوانی مبذول داشتند، تشکر کنم.

طبیعی است در مسیر پیش‌رو، هیأت رئیسه همچون گذشته همراه مدیرعامل محترم خواهد بود.
علی دهکردی، مدیریت آرام و بی‌حاشیه‌ای را در خانه سینما سپری کرد. او جایگزین مرضیه برومند در این نهاد صنفی شده بود که به نسبت دوران پر حاشیه‌تر و پرتلاطم‌تری از دهکردی داشت و طول مدیریت برومند بر خانه سینما هم کوتاه‌تر از دهکردی بود.

دهکردی پیش از قبول مسؤولیت مدیرعاملی، سال‌ها در هیأت مدیره انجمن بازیگران خانه سینما به فعالیت پرداخته بود و به لحاظ هنری هم چهره‌ای شناخته شده برای اهالی سینما به حساب می‌آمد. او در طول دوره فعالیت خود بیشتر به کارهای صنفی و رفاهی اعضای این خانه پرداخت و توانست دوره آرامی را پشت سر بگذارد. او حتی درباره فعالیت‌هایی که در زمان مدیرعاملی خود انجام داد، اطلاع‌رسانی نمی‌کرد و بیشتر اقداماتی که در این دوره انجام داد را بدون انتشار خبر و گزارشی به پایان برد.

رسیدگی به وضعیت هنرمندانی که به بیماری‌های خاص و مزمن گرفتار شدند از عمده‌ترین فعالیت‌های دهکردی در خانه سینما بود. او با ریزنی با هلال احمر و بنیاد بیماری‌های خاص تلاش کرد که مراحل درمان این بیماران بدون معطلی در نوبت‌های طویل‌المدت انجام گیرد. داروها و انجام عکسبرداری از این افراد هم تقریباً بدون نوبت انجام می‌شد و آنها آسان‌تر به داروهای مورد نیاز خود دسترسی پیدا می‌کردند. با همه اینها دهکردی تمامی این فعالیت‌ها را بدون انتشار هیچ خبری به سرانجام رساند چراکه تصورش این بود که برای این کار مأمور شده و وظیفه‌اش حکم می‌کند که در این زمینه فعالیت‌های لازم را انجام دهد.

او ریزنی‌هایی هم با صندوق اعتباری هنر داشت که



قسمت تاریخی «اطلس جغرافیایی ایران» را برعهده گرفت، در انجمن فلسفه عضویت داشت، از اعضای هیأت امنای بنیاد فرهنگ بود و در فرهنگستان تاریخ نیز عضویت داشت. به علاوه همکاری او با نهادهای بین‌المللی همزمان با آشنایی به زبان‌های غربی و چندین مرتبه حضور در این کشورها سبب شد بود که او همواره با آخرین تحولات در حوزه‌های علمی و فرهنگی جهان آشنایی داشته باشد. عضو انجمن بین‌المللی شرق‌شناسان آلمان و عضو مجمع بین‌المللی کتیبه‌های ایرانی در انگلستان بود، هم‌زمان کار سندشناسی را نیز با علاقه دنبال می‌کرد و با احاطه‌ای که در منبع‌شناسی و شناخت کتب و اسناد داشت بسیاری از نسخ خطی نادر و مجهول‌المؤلف را بازیابی کرد.

با پیروزی انقلاب اسلامی و رویدادهای متعاقب آن زریاب بازنشسته شد. او که زمانی در مجلس درس بزرگان دین و رهبر انقلاب حاضر شده بود و سال‌ها با دایره‌المعارف‌های اسلامی و تشیع همکاری داشت، چندی بعد از دریافت حقوق بازنشستگی نیز محروم شد. با این همه به مرور نام او به وسیله آثار و خدماتش از دایره دانشگاه فراتر رفت و تا حدودی خدمات علمی‌اش شناخته شد. زریاب زندگی دشوار و پرفرازونشینی را از سر گذرانید اما همواره مشهور به خلق نیکو و صبر بر نامالیقات بود و حتی در بستر بیماری نیز مطالعه می‌کرد، شعر می‌خواند و با اطرافیان به گرمی رفتار می‌کرد. عباس زریاب‌خویی سرانجام پس از سال‌ها مطالعه و پژوهش در سن ۷۵ سالگی ۱۴ بهمن ۱۳۷۲ دار فانی را وداع گفت.

کند. از او خواسته شده بود که برای همیشه در آن کشور اقامت کند و به کار خود در دانشگاه ادامه دهد اما زریاب این امر را نپذیرفت و دو سال بعد در ۱۳۴۳ به ایران بازگشت. البته این آخرین حضور او در آمریکا نبود و یک‌بار هم دانشگاه پرینستون از او برای تدریس شرح تجرید خواجه نصیرالدین طوسی دعوت کرد تا به آن کشور برود.

در مسیر علم و فرهنگ

به هنگام بازگشت به ایران، زریاب به عنوان محقق برجسته شناخته شده بود و از سوی بسیاری از عالمان و محققین برای همکاری و مشاوره در امور دعوت به همکاری شد و به گفته بسیاری از همکارانش در دانشگاه یک دایره‌المعارف سیار محسوب می‌شد. عباس اقبال از او خواست در کار تهیه فهراس کتاب «شدالازار» که محمد قزوینی آن را تصحیح کرده بود، همکاری کند. هم‌چنین با دایره‌المعارف فارسی زیر نظر غلامحسین مصاحب کار کرد و بعدها نیز در کار تدوین دانش‌نامه ایران و اسلام، نقش اساسی داشت و با دایره‌المعارف تشیع و ایرانیکا نیز همکاری داشت. با تأسیس «بنیاد شاهنامه فردوسی» به سرپرستی مجتبی مینوی، از زریاب برای مشاوره در کار تصحیح شاهنامه براساس نسخ خطی معتبر دعوت به همکاری شد. او هم‌چنین با دیگر نهادهای علمی و فرهنگی کشور نیز همکاری نزدیک داشت و در تأسیس مجله «فرهنگ ایران زمین» حضور داشت و از شخصیت‌هایی بود که برای راهاندازی «انجمن دوستداران کتاب» فعالیت کرد. هم‌چنین سرپرستی

ویژگی‌های خاصی که کشور داشته، موجب شده که خطوط قرمز نانوشته و نوشته فراوانی شکل بگیرد و همین هم کار خبرنگاری را سخت‌تر و سخت‌تر کرده است و به نظر می‌آید در این قسمت هم ما به عنوان کسانی که در فضای حکمرانی کشور هستیم و هم خود خبرنگاران، تلاش مضاعفی باید بکنیم که «شرایط حساس کنونی» تبدیل به یک امر نهادینه نشود.

او ادامه داد: نکته دوم این است که جامعه ایرانی، جامعه با قوت‌های بسیار است. همواره در سخنان خود تأکید کردم که تحقیر ایران و ایرانی غلط است. وجوه مختلفی از قوت‌های ایران و ایرانی می‌شناسیم اما این به این معنی نیست که نقاط ضعف خودمان را هم بازگو نکنیم. به نظر می‌آید هم مسئولان و هم جامعه ما در مقابل نقد کم‌تحمّل است. ما وجوهی از ضعف را داریم، کار تیمی و جمعی کم کرده‌ایم. و یکی از نکات نقد و ضعف این است که از کودکی یاد نگرفته‌ایم که حرف تلخ بشنویم و به حرف‌های

شیرین عادت داریم. او تأکید کرد: هم ما مسؤولان هم مردم احتیاج به یک تربیت مجدد اجتماعی داریم که نقد را به نفع حکمرانی بدانیم. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بیان کرد: نکته سوم معیشت ناامن خبرنگاری است. وقتی معیشت ناامن باشد، کار حرفه‌ای کمتر می‌شود. با توجه به حضور رئیس‌جمهور در این مراسم، امیدوارم سختی خبرنگاری کاهش پیدا کند و حلاوت‌های آن افزون شود. در بخش دیگری از برنامه افشار پرویزی‌بابادی- رئیس هیأت مدیره خانه مطبوعات- گفت: بحث بیمه جدی است و گرانی بیمه کمر مدیران مسئول را شکسته و قیمت کاغذ دو برابر شده است. تعاونی مسکن هم از مسائلی است که رسانه‌ها در سراسر کشور آن را مطالبه می‌کنند.

او با بیان این‌که وضعیت مطبوعات استانی خوب نیست، اظهار کرد: دوست داشتم برای آقای پزشک‌یان دعا کنم که برای مجوز نشریه‌ای به وزارت فرهنگ مراجعه کنند تا مشقات این کار را بدانند. در بخش دیگری از مراسم مسعود حیدری- نماینده هیأت مسئول خبرگزاری‌ها- گفت: وضعیت بنگاه‌های اقتصادی رسانه‌ای مناسب نیست و مدیران مسئول این بنگاه‌ها با شرایط سختی مواجه هستند و شرایط کشور، مسائل موجود را پیچیده‌تر کرده است.

او درباره بنگاهداری در حوزه رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های غیردولتی با وجود یارانه‌های محدود، توضیح داد: مهم‌ترین موضوعی که باید به آن رسید، بحث امنیت شغلی خبرنگاران است. عمده خبرنگاران قرارداد مشخص و روشنی ندارند که طبق قانون در مسیر وظایف مشخص شده خود حرکت کنند.

به گفته او بیمه خبرنگاران هم مسأله‌ای است که با آن مواجه هستیم.

تسهیل صدور مجوز برای خبرنگاران هنگام پوشش خبر، تحقق روایت اول و مرجعیت خبر، مسکن خبرنگاران و ... از جمله دغدغه‌های خبرنگاران بود که با رئیس‌جمهور مطرح کردند.

این مراسم با اجرای مونولوگی درباره عاشورا و پخش چند کلیپ که به معرفی فعالیت‌های معاونت‌های مختلف می‌پرداخت همراه بود. همچنین یکی از خبرنگاران فرهنگی از مشکلات مربوط به حوزه کتاب، قیمت بالای آن و کنار نهاده شدن آن از سبد خانواده گفت.





سال هشتم شماره ۲۰۳۸
سه‌شنبه ۲۱ مرداد ۱۴۰۴

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

باز هم افول

چرا بازار سهام به مدار رشد بازمی‌گردد؟

مهناب شهریاری

گروه اقتصاد

در حالی که خورشید داغ بر خیابان‌های تهران می‌تابید و صدای زنگ معاملات در تالار شیشه‌ای بورس طنین‌انداز بود، بازار سهام ایران صحنه‌ای از آشفتگی و نگرانی را به نمایش گذاشت. شاخص کل بورس تهران همچون یک کشتی توفان‌زده ۲۱ هزار و ۸۵۱ واحد سقوط کرد و به سطح ۲ میلیون و ۵۴۰ هزار و ۴۶۳ واحد رسید. کاهشی معادل ۰.۸۵ درصد که فشار فروش را در هر گوشه بازار فریاد می‌زد. سهامداران، با چهره‌های نگران، شاهد بودند که چگونه قدرت خریداران رو به افول می‌رود و پول‌ها یکی پس از دیگری از بازار خارج می‌شوند، گویی بورس به باتلاقی تبدیل شده که هر تلاشی برای نجات، تنها به فرو رفتن بیشتر منجر می‌شود.

شاخص کل هم وزن نیز همزمان با آن ۳ هزار و ۸۶۸ واحد، معادل ۰.۴۹ درصد کاهش یافت و به رقم ۷۷۸ هزار و ۱۱۱ واحد سقوط کرد. این افت‌ها نشان‌دهنده فضای منفی حاکم بر بازار و افزایش فشار فروش در تمامی گروه‌هاست. حجم معاملات سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی به ۱۳ میلیارد سهم و ارزش معاملات به بیش از ۳ هزار و ۸۹۵ میلیارد تومان رسید. با وجود رشد اندک حجم و ارزش معاملات، سرانه خرید حقیقی‌ها ۳۴.۳ میلیون تومان و سرانه فروش آنها ۴۰.۷ میلیون تومان گزارش شده است که کاهش قدرت خرید حقیقی‌ها به عدد منفی ۱.۱۹ را نشان می‌دهد. خروج نقدینگی حقیقی‌ها نیز به ۳۱۰ میلیارد تومان افزایش یافته که گواهی بر ادامه روند فروش در بازار است. در معاملات دیروز، برخلاف روزهای گذشته که صندوق‌های درآمد ثابت میزبان ورود نقدینگی بودند، شاهد خروج ۲۶.۸ میلیارد تومان پول از این صندوق‌ها بودیم. البته در نیمه اول زمان معاملات، این صندوق‌ها با تزریق پول مواجه بودند اما به مرور وضعیت برعکس شد. تعداد نمادهای مثبت ۱۵۱ و نمادهای منفی ۵۹۹ نماد گزارش شده که بیانگر غلبه واضح عرضه بر تقاضاست. ارزش سفارش‌های خرید در دقیقه پایانی معاملات به ۵۵۸ میلیارد تومان و سفارش‌های فروش به ۲ هزار و ۴۴۲ میلیارد تومان بالغ شده که نشان از تمایل شدید فروشندگان برای خروج از بازار دارد.

تعداد صف‌های خرید به ۳۹ مورد و صف‌های فروش به ۲۷۰ مورد رسیده است. این افزایش چشمگیر تعداد صف‌های فروش نشانه تشدید فشار عرضه و نگرانی بیشتر سهامداران است که می‌تواند روند نزولی بازار را تشدید کند. ریسک‌های سیستماتیک و ناترازی انرژی از مهم‌ترین عوامل موثر بر شرایط کنونی بازار سرمایه به شمار می‌روند. در چنین شرایطی، خروج نقدینگی از بازار سهام شدت گرفته و سرمایه‌گذاران به دنبال دارایی‌های کم ریسک‌تر هستند. از زمان بازگشایی بازار سهام مجموعاً حدود ۵۵ هزار میلیارد تومان پول سهامدار خرد خارج شده است. در مقابل، بیش از ۲۵ همت پول وارد صندوق‌های درآمد ثابت و ۱۳ همت به صندوق‌های طلا وارد شده‌اند. اگر این ارقام را بگذاریم کنار وعده ۶۰ همت پولی که قرار بود از طریق نظام بانکی از بورس حمایت کند، متوجه می‌شویم که این تزریق‌ها بیش از آنکه کمک‌کننده باشد، فرصتی برای خروج پول بوده است. به همین دلیل است که عمده کارشناسان بازار سرمایه راهکار عبور بورس از رکود سخت را نه تزریق پول بلکه دادن سیگنال مثبت درباره اصلاحات اساسی مانند حذف قیمت‌گذاری دستوری و دلار چندنرخ‌سی می‌دانند. فارغ از این مباحث، یک بعد پنهان حمایت‌های نقدی از بورس، تولد غول‌هایی است که آینده شناسوری و تحلیل‌پذیری بازار سهام را دچار ابهام کرده‌اند؛ صندوق توسعه و صندوق تثبیت بازار سرمایه. پول تزریق شده به بورس از طریق این صندوق‌ها انجام می‌شود و حالا خود اینها به نهادهایی تبدیل شده‌اند که نه تنها شفافیت کافی را به اذعان کارشناسان ندارند بلکه به قدری بزرگ هستند که رفتار آنها کاملاً بر بازار اثرگذار است و به سختی می‌توان مانع دستکاری آنها در قیمت‌ها شد. فضای غیرشفاف و بزرگ شدن این صندوق‌های غیرخصوصی یک تهدید مهم برای آینده بازار سرمایه محسوب می‌شود. به عبارت دقیق‌تر به درخواست بخشی از اهالی خصوصی بازار سرمایه، تزریق حمایتی پول به قدری گسترده شده که خود به موجودی تبدیل شده که بازار را از کارایی انداخته و بخش خصوصی واقعی را می‌تواند به حاشیه براند.

ادامه تیتیر یک

معرکه محمود



اتریشی دارند، با هدف آزادسازی اقتصاد و کاهش بروکراسی دولتی انجام شده‌اند. میلی همچنین با نقد بانک مرکزی و سیاست‌های پولی غیرمستولانه بر ایجاد فضای کسب‌وکار آزاد و حذف موانع تجاری تأکید دارد. این رویکرد با فلسفه روتبارد، که در «اخلاق آزادی» بر آزادی فردی و بازار آزاد تأکید دارد، همخوانی زیادی دارد.

با این حال، مقایسه احمدی‌نژاد با میلی چندان دقیق به نظر نمی‌رسد. احمدی‌نژاد در دوران ریاست‌جمهوری خود نه‌تنها به کاهش نقش دولت تمایلی نشان نداد، بلکه با سیاست‌هایی مانند توزیع یارانه نقدی و پروژه‌های عمرانی گسترده، دخالت دولت در اقتصاد را تقویت کرد. طرح هدفمندسازی یارانه‌ها، هرچند به ظاهر به سمت کاهش یارانه‌های پنهان حرکت کرد اما در عمل به افزایش وابستگی مردم به دولت و نقدینگی بدون پشتوانه منجر شد که دقیقاً برخلاف اصول لیبرتاریسیسم است. علاوه بر این، احمدی‌نژاد در سیاست خارجی خود رویکردی آرمان‌گرایانه و تهاجمی داشت که با تأکید لیبرتارین‌ها بر عدم مداخله‌گری و همکاری دوطالبانه در تضاد است.

علاقه احمدی‌نژاد به کتاب روتبارد ممکن است بیش از آنکه به معنای پذیرش کامل فلسفه لیبرتاریسیسم باشد، تلاشی برای بازسازی وجهه سیاسی اوست. او در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از رد صلاحیت در انتخابات ریاست‌جمهوری سعی کرده خود را به‌عنوان منتقد وضع موجود و حامی تغییرات بنیادین معرفی کند. دعوت از مترجمان کتاب «اخلاق آزادی» برای نشست تحلیلی نیز می‌تواند، بخشی از این استراتژی باشد تا او خود را به‌عنوان چهره‌ای روشنفکر و آگاه به ایده‌های نو معرفی کند. با این حال هیچ شواهد روشنی وجود ندارد که نشان دهد، احمدی‌نژاد به دنبال پیاده‌سازی ایده‌های لیبرتارین در ایران

روتبارد با نقد سوسیالیسم، برابری طلبی اجباری و انحصار دولتی، جامعه‌ای بدون دولت را پیشنهاد می‌کند که در آن افراد آزادانه و بر اساس ارزش‌های خود عمل کنند. اما سوال این است که چرا سیاستمدار پوپولیستی مثل محمود احمدی‌نژاد به مهم‌ترین کتاب مورای روتبارد علاقه نشان داده است؟ برخی می‌گویند، محمود احمدی‌نژاد دنبال پیاده کردن ایده‌های خاویر میلی در ایران است و خود را در مسیر او می‌بیند. این نظر چقدر درست است؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا باید به پیشینه احمدی‌نژاد و سیاست‌های او نگاهی انداخت. احمدی‌نژاد در دوران ریاست‌جمهوری خود با گفتمان عدالت‌محور و مردمی‌سازی امور، سیاست‌هایی مانند طرح هدفمندسازی یارانه‌ها و مسکن مهر را اجرا کرد. این سیاست‌ها، هرچند با هدف حمایت از اقشار کم‌درآمد طراحی شدند اما به شدت وابسته به مداخله دولت و توزیع منابع عمومی بودند. او همچنین با تمرکز بر دیپلماسی تهاجمی و آرمان‌گرایانه، به‌ویژه در مواجهه با نظام بین‌الملل و غرب، رویکردی اتخاذ کرد که با اصول لیبرالیسم و لیبرتاریسیسم، به‌ویژه کاهش نقش دولت و تأکید بر بازار آزاد، فاصله زیادی داشت. از سوی دیگر، احمدی‌نژاد در سال‌های اخیر تلاش کرده است خود را به‌عنوان چهره‌ای منتقد نظام موجود و مدافع تغییرات ساختاری معرفی کند که شاید علاقه او به کتاب روتبارد را بتوان در این چارچوب تفسیر کرد. خاویر میلی، رئیس‌جمهور آرژانتین، با اجرای سیاست‌های شوک‌درمانی و کاهش شدید نقش دولت مانند کاهش تعداد وزارتخانه‌ها از ۱۹ به ۹، اخراج ۳۰ هزار کارمند دولتی و حذف یارانه‌های ناکارآمد، توانسته است تورم سهرقمی آرژانتین را تا حدی مهار کند و کسری بودجه را به مازاد تبدیل کند. این اقدامات، که ریشه در اصول لیبرتاریسیسم و مکتب اقتصادی

دیدگاه:پادداشت اقتصادی

راهبرد ناکام

چرا بخش خصوصی به گل نشست؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۱۳۸۴ و تصویب قانون اجرایی آن در سال ۱۳۸۶ با هدف تقویت مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد ایران، کاهش بنگاهداری دولت، افزایش رشد اقتصادی، ارتقای عدالت اجتماعی و بهبود رقابت‌پذیری انجام شد. انتظار می‌رفت این سیاست‌ها با واگذاری بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی، کارایی اقتصادی و بهره‌وری را افزایش دهد و دولت را به وظایف اصلی خود مانند نظارت و ارائه خدمات عمومی متمرکز کند. با این حال پس از حدود ۲۰ سال، اهداف این قانون به طور کامل محقق نشده است. گرچه بنگاهداری دولت کاهش یافته و سهامداری عمومی افزایش یافته اما ارتقای پایدار کارایی بنگاه‌ها و بهره‌وری منابع محقق نشده است. بخش خصوصی و تعاونی به اندازه کاهش نقش دولت رشد نکرده‌اند و نهادهای عمومی

است. شرایط ایران با اقتصاد نفت‌محور، تحریم‌های بین‌المللی و ساختار سیاسی متمرکز، تفاوت‌های اساسی با آرژانتین دارد. اجرای سیاست‌های شوک‌درمانی میلی در ایران، با توجه به مقاومت گروه‌های ذی‌نفع و نبود اعتماد عمومی، با چالش‌های جدی مواجه می‌شود.

چنانکه شرح داده شد، لیبرتاریسیسم در ایران به دلایل متعددی، از جمله ساختار سیاسی متمرکز، اقتصاد نفت‌محور و فرهنگ سیاسی مبتنی بر مداخله دولت، پایگاه قوی نداشته است. حتی روشنفکرانی که به لیبرالیسم کلاسیک گرایش داشته‌اند معمولاً به لیبرالیسم معتدل‌تر تمایل داشته‌اند تا لیبرتاریسیسم رادیکال. علاوه بر این، لیبرتاریسیسم در ایران اغلب به دلیل سوءتفاهم یا برچسب‌های سیاسی مورد انتقاد قرار گرفته و به حاشیه رانده شده است. به همین دلیل هیچ سیاستمدار سرشناسی در کشور ما به‌صورت کامل و علنی لیبرتارین شناخته نمی‌شود.

به نظر می‌رسد، علاقه احمدی‌نژاد هم به «اخلاق آزادی» بیشتر یک ژست سیاسی برای جلب توجه محافل روشنفکری و اقتصادی باشد تا نشانه‌ای از تغییر واقعی در دیدگاه‌های او. پوپولیسم احمدی‌نژاد، که مبتنی بر وعده‌های عدالت‌محور و توزیع منابع دولتی بود، با اصول لیبرتاریسیسم، که بر کاهش نقش دولت و آزادی فردی تأکید دارد، سازگاری چندانی ندارد. بنابراین، ادعای اینکه او به دنبال پیاده‌سازی ایده‌های خاویر میلی در ایران است، بدون شواهد ملموس و با توجه به سوابق او، چندان معتبر نیست. این علاقه احتمالاً تلاشی برای بازسازی تصویر سیاسی او در شرایطی است که از ساختار قدرت کنار گذاشته شده و به دنبال پایگاه جدیدی برای بازگشت به صحنه سیاسی است.

برای تحقق اهداف اصل ۴۴ لازم است، ابهامات قانونی درباره نهادهای عمومی غیردولتی رفع شود، فرایند واگذاری شرکت‌ها با شفافیت و رعایت اصول حاکمیت شرکئی انجام گیرد و نظارت پس از واگذاری تقویت شود. مردمی‌سازی اقتصاد از طریق عرضه عمومی سهام، کاهش نااطمینانی‌های اقتصادی و اصلاح سیاست‌های قیمت‌گذاری و تأمین مالی، می‌تواند مشارکت مردم را افزایش داده، نابرابری را کاهش دهد و بخش خصوصی واقعی را به موتور محرک اقتصاد تبدیل کند. تمرکز نهادهای عمومی غیردولتی بر اهداف حاکمیتی به جای بنگاهداری نیز ضروری است.

مردمی‌سازی و عرضه سهام این شرکت‌ها در شرایطی که مردم برای حفظ قدرت خرید به بازارهای پرتلاطم ارز و طلا هجوم می‌برند، می‌تواند به افزایش پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد و پیشبرد اصلاحات اقتصادی کمک کند. به علاوه، دسترسی به سود ناشی از فعالیت آنها در کاهش فقر و نابرابری موثر خواهد بود. همچنین لازم است، نهادهای عمومی غیردولتی بیشتر بر اهداف حاکمیتی به جای اهداف اقتصادی متمرکزتر شوند. الزام دیگر توان‌بخشی بخش خصوصی از طریق کاهش نااطمینانی‌ها و پیش‌بینی‌پذیری متغیرهای اقتصاد کلان و کاهش مداخلات قیمت‌گذاری دولت است. تدوین برنامه تأمین مالی و توسعه و اصلاح اساسنامه صندوق توسعه ملی در جهت افزایش کارایی تسهیلات اعطا شده از طریق این نهاد نیز می‌تواند به بخش خصوصی واقعی برای تحرک بیشتر کمک کند.

غیردولتی مانند ستاد اجرایی فرمان امام، بنیاد مستضعفان، آستان قدس رضوی و بنیاد شهید، خلأ میان دولت و بخش خصوصی را پر کرده است.

داده‌ها نشان می‌دهند که حدود ۸۰ درصد ارزش شرکت‌های بورسی تحت کنترل دولت یا نهادهای عمومی غیردولتی است و تمرکز مالکیت و تولید در اقتصاد ایران، پویایی آن را تهدید می‌کند. بیش از ۵۰ درصد خصوصی‌سازی‌ها از طریق رد دیون دولت انجام شده که به دلیل ساختارهای مالکیتی چندلایه کنترل مدیریتی شرکت‌ها همچنان از دسترس سهامداران خرد خارج است. این پدیده، که به «خصولتی‌سازی» معروف شده، با روح اصل ۴۴ در تضاد است و پیامدهایی مانند کاهش شفافیت، سرمایه اجتماعی و کارایی منابع عمومی، افزایش انحصار و نابرابری را به دنبال داشته است. عدم شفافیت نهادهای عمومی غیردولتی به‌ویژه در ارائه اطلاعات مالی و تعارض منافع ناشی از روابط مالکیتی پیچیده به تخصیص ناکارآمد منابع از جمله تسهیلات بانکی منجر شده است. این امر بخش خصوصی واقعی را در رقابت با نهادهای عمومی غیردولتی تضعیف و رشد اقتصادی را محدود کرده است.

اخراج بی‌بازگشت

بیش از ۱ میلیون تبعه غیرمجاز از حدود ۴ میلیون نفر از ایران اخراج شده‌اند

گروه اجتماعی: طبق آمار رسمی، ایران اکنون میزبان بیش از ۶ میلیون تبعه خارجی است که حدود ۴ میلیون نفر از آنان فاقد مجوز قانونی اقامت هستند. نادر یاراحمدی، رئیس مرکز امور اتباع وزارت کشور، تأکید کرده است که از این گروه بزرگ، بیش از نیمی از اتباع افغانستانی (یعنی نزدیک به ۳ میلیون نفر) در استان تهران ساکن هستند. به گفته وی، این تعداد عظیم اتباع در پایتخت، فشار شدیدی بر زیرساخت‌های بهداشتی، آموزشی و خدماتی وارد کرده و موجب نارضایتی مردم شده است. در پی جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران، دولت سیاست ساماندهی سریع اتباع فاقد مدرک را تشدید کرده است. براساس اعلام وزیر کشور، تاکنون بیش از ۱ میلیون نفر از اتباع خارجی بدون مجوز از کشور بازگشته‌اند که بیش از ۷۰ درصد آنها خودمعرف بوده‌اند.

مساله امنیت ملی و احتمال نفوذ عناصر خرابکاری، مهم‌ترین بهانه مقامات برای تشدید اخراج مهاجران شده است. اسکندر مؤمنی، وزیر کشور با تأکید بر اینکه «اتباع غیرمجاز باید از کشور خارج شوند» گفت که بیش از ۱.۱ میلیون تبعه خارجی (اکثراً افغان) طی ماه‌های اخیر از کشور رفتند که حدود ۷۰ درصد آنان داوطلبانه خود را معرفی کرده بودند. پلیس فراچین نیز اعلام کرده است، سیاست شناسایی و دستگیری اتباع غیرمجاز تغییری نکرده و مأموریت اصلی، بازداشت

مظنونان همکاری با گروه‌های معاند است. سخنگوی ناجا می‌گوید در ۴ ماه نخست امسال بیش از ۱۱۴۰ هزار نفر اتباع بدون مجوز، شناسایی و بازگردانده شده‌اند. این اقدامات در شرایطی انجام می‌شود که گزارش‌ها از شناسایی چند ده مورد اتباع مشکوک به همکاری با سرویس‌های خارجی و ساخت تسلیحات تروریستی خبر می‌دهند. با این حال، نادر یاراحمدی و دیگر مسئولان این موضوع را پررنگ می‌کنند که «مهاجران باید با رعایت حقوق انسانی و کرامت بازگردانده شوند». در این‌باره نیز اشاره شده برخی اتباع قربانی سوءاستفاده کارچاق‌کن‌ها هستند و نباید همه را یکسان دانست: «برخی مهاجران با اهداف خرابکاری وارد کشور شده‌اند، اما بسیاری نیز افراد شریف و قانون‌مدار هستند که باید حقوقشان رعایت شود.»

ساماندهی توأمان با اخراج

وزارت کشور و مسؤولان آموزش و پرورش معتقدند که ساماندهی اتباع مجاز باید توأمان با اخراج اتباع غیرمجاز انجام شود. استاندار تهران اعلام کرده طی این روند بیش از ۴۵۰ هزار مهاجر غیرمجاز از تهران به کشورهای بازگردانده شده‌اند. او خاطر نشان کرد در سال تحصیلی گذشته حدود ۲۲۰ هزار دانش‌آموز اتباع در مدارس پایتخت حضور داشته‌اند اما در مهرماه سال جاری فقط حدود ۶۰ هزار

مسکن

فقیر و فقیرتر

فقیر نه‌تنها در میان خانوارهای مستاجر که حتی در بین خانواده‌های صاحب‌خانه نیز شدیدتر شده است



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

گزارش اخیر مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که فقر در میان خانوارهای مستأجر ایران به‌طور بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. به‌طوری که بر اساس روش متداول محاسبه فقر در سال ۱۴۰۲ حدود ۲۷ درصد مستأجران (معادل ۱/۳۳ میلیون خانوار) فقیر شناخته شده‌اند؛ اما وقتی هزینه سنجین مسکن نیز لحاظ می‌شود ۶۵۲ هزار خانوار دیگر صرفاً به‌خاطر هزینه مسکن زیر خط فقر قرار می‌گیرند. بدین‌ترتیب نرخ واقعی فقر مستأجران به حدود ۴۰ درصد افزایش می‌یابد. به بیان دیگر نزدیک به ۱/۹۸ میلیون خانوار (معادل ۷/۶ میلیون نفر) مستأجر در ایران در سال ۱۴۰۲ درگیر فقر بوده‌اند که بخش عمده آن به‌دلیل درآمد ناکافی و بخش قابل توجهی ناشی از هزینه بالای مسکن است. این آمار نشان‌دهنده دو نکته کلیدی است؛ اول، فقیر بودن مستأجران فقط به درآمد کم مربوط نیست؛ هزینه مسکن نقشی تعیین‌کننده در فرو افتادن خانوارها در فقر دارد. دوم، مسیر فقر در یک دهه اخیر صعودی بوده است؛ به‌گونه‌ای که تعداد خانوارهای مستأجر فقیر از حدود ۶۰۷ هزار خانوار در سال ۱۳۸۵ به تقریباً ۱/۹۸ میلیون خانوار در سال ۱۴۰۲ رسیده است که افزایشی ۲۲۶ درصدی یا حدود سه برابر را نشان می‌دهد. گزارش مرکز پژوهش‌ها برای بررسی دقیق‌تر وضعیت علاوه بر روش سنتی تعیین خط فقر بر مبنای درآمد از یک شاخص مکمل نیز بهره برده که سهم هزینه مسکن از درآمد خانوار را ملاک قرار می‌دهد. این شاخص نشان می‌دهد بسیاری از خانوارهایی که از نظر درآمد بالاتر از خط فقر قرار دارند به‌خاطر بار مالی بالای مسکن عملاً فقیر محسوب می‌شوند. در واقع، به‌قول نویسندگان گزارش، شاخص رایج «استطاعت‌نابذیری مسکن» (سهم هزینه مسکن از کل هزینه‌ها) با دو معضل «بازنمایی سوگیرانه» و «همسان‌نمایی» مواجه است و می‌تواند، تصویری نادرست از فقر ارائه دهد. در تحلیل گزارش، مشخص شده که ۶۷ درصد مستأجران فقیر به‌دلیل درآمد ناکافی زیر خط فقر قرار گرفته‌اند (یعنی درآمدشان کمتر از خط فقر بوده است) و ۳۳ درصد دیگر به‌دلیل هزینه‌های سنگین مسکن فقیر محسوب شده‌اند (درآمدشان از خط فقر بالاتر بوده اما هزینه مسکن آنان را فقیر کرده). این تفکیک نشان می‌دهد، بخش عمده فقر مستأجران ریشه در ضعف درآمدی دارد اما سهم قابل توجهی نیز ناشی از کمبود حمایت‌های مسکن یا افزایش بی‌رویه اجاره‌بهاست.

رشد سریع جمعیت فقرا

آمار جدید حاکی است که از سال ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲ ۶۹** هزار خانوار



سفره‌های زیرزمینی تأمین می‌شود که کاهش آنها بسیار نگران‌کننده است. مسئولان آب استان طرح‌های انتقال آب از سد طالقان (با ظرفیت ۲/۵ مترمکعب بر ثانیه) را در هفته‌های آینده عملیاتی می‌کنند تا از تشدید بحران بکاهد. این عوامل نشان می‌دهد، زیرساخت‌های تهران پیش از ورود غیرقانونی اتباع در وضعیت بحرانی بوده و موضوع ساماندهی مهاجران، بار پیچیدگی اجتماعی آن را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، وزیر کشور به کاهش ۶ درصدی تراکشی‌های خرید نان یارانه‌ای پس از خروج بخش قابل توجهی از اتباع اشاره کرده است. این نشانگر آن است که خروج صدها هزار مهاجر در کوتاه‌مدت در برخی بازارهای مصرف پایه (مثل کالاهای اساسی) آثار ملموسی داشته؛ اما برخی اقتصاددانان هشدار می‌دهند که خالی شدن سریع نیروی کار خارجی می‌تواند به افزایش تورم و کمبود کارگران منجر شود. دولت ابراز امیدواری کرده این خلأ را با سرمایه‌گذاری در مکانیزه‌سازی و جذب نیروی کار داخلی پوشش دهد اما کارشناسان اقتصادی معتقدند، تحقق این وعده نیازمند زمان و منابع زیادی است.

دانشگاه

بخشش سنوات

برای پرونده‌دارهای ۱۴۰۱

وزیر علوم: دانشجویان مشمول بازنگری از محرومیت زمانی معافند

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، حسین سیمایی‌صراف در تازه‌ترین اظهارات خود به وضعیت دانشجویان متخلف و تصمیمات جدید برای تسهیل تحصیل استعدادهای درخشان در داخل کشور اشاره کرد. وی در خصوص دانشجویانی که به دلیل تخلفات سال ۱۴۰۱ با مشکل سنوات تحصیلی مواجه شده‌اند، توضیح داد که پرونده‌های این دانشجویان بازنگری شده است و هیچ دانشجویی نباید به‌دلیل این تخلفات با مشکل فارغ‌التحصیلی یا سنوات تحصیلی مواجه شود. سیمایی تأکید کرد که این اقدام تنها مربوط به دانشجویانی است که به دلیل پرونده‌های سال ۱۴۰۱ به مشکل برخوردند و اگر کسی به‌طور مشخص به دلیل تخلفات انضباطی یا انتظامی در سنوات خود دچار مشکل شده باشد، رسیدگی لازم صورت خواهد گرفت.

در پاسخ به نگرانی‌ها در خصوص تأثیر این تصمیمات بر وضعیت تحصیلی دانشجویان، وزیر علوم اعلام کرد: «اگر دانشجویی به دلیل بازنگری پرونده‌اش مشکلی در سنوات تحصیلی خود پیدا کرده باشد حتماً رسیدگی خواهیم کرد». وی همچنین به دانشجویان این اطمینان را داد که هیچ‌یک از این تغییرات به‌طور غیرعادلانه بر وضعیت تحصیلی آنان تأثیر نخواهد گذاشت.

سیمایی در ادامه از به‌روز رسانی آیین‌نامه‌ها و ضوابط مربوط به انتخاب دانشجویان استعداد درخشان خبر داد و گفت: «دانشجویان استعداد درخشان که از دانشگاه‌های خارجی پذیرش گرفته‌اند اما به هر دلیلی قادر به ادامه تحصیل در آن دانشگاه‌ها نیستند، می‌توانند در دانشگاه‌های هم‌تراز با آن دانشگاه‌ها بدون نیاز به آزمون پذیرش شوند». این تصمیم به‌ویژه برای دانشجویان برگزیده المپیادهای هوش مصنوعی، مدیریت و اقتصاد مطرح شده است که از مزایای مشابه با دیگر رشته‌های المپیادی برخوردار خواهند شد.

در بخش دیگری از سخنان خود، وزیر علوم به ضعف در سواد رسانه‌ای در جامعه اشاره کرد و آن را به‌عنوان یک چالش جدی برشمرد. وی تأکید کرد که تقویت تفکر انتقادی در کشور می‌تواند، بخشی از این ضعف را جبران کند و تصریح کرد که همه دانشجویان و شهروندان باید توانایی تشخیص درستی و نادرستی اطلاعات را داشته باشند تا در برابر بمباران اطلاعاتی که هر روزه با آن روبه‌رو هستند، واکنش مناسبی نشان دهند.

دانش‌آموز اتباع دارای مدارک معتبر در کلاس‌ها ثبت‌نام خواهند کرد. مجید پارسا، مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران نیز تصریح کرده است که «طبق قانون مدیران مدارس نمی‌توانند، اتباع فاقد مدارک هویتی معتبر را ثبت‌نام کنند». پارسا می‌گوید، ثبت‌نام قانونی اتباع مجاز تا پایان شهریور ادامه دارد و هر کدام از دانش‌آموزان فاقد مدارک لازم ثبت‌نام نشوند، «قطعاً منجر به کاهش تراکم کلاس‌ها خواهد شد». او یادآور شده است که سال گذشته بیش از ۲۹ هزار کلاس درس در تهران وجود داشت و امسال پیش‌بینی ۳۰ هزار کلاس است؛ کاهش جمعیت اتباع غیرمجاز می‌تواند، بخشی از بار تراکم جمعیتی را کم کند. تهران خود با بحران‌های دیگری نظیر تراکم جمعیتی بسیار بالا و کم‌آبی مواجه است. به گفته استاندار، «تراکم جمعیتی تهران ۲۱ برابر میانگین کشوری است»، نتیجه دهه‌ها ساخت‌وساز غیرمجاز و برنامه‌ریزی ناکافی. همچنین در پنجمین سال متوالی خشکسالی به سر می‌بریم و امسال نسبت به سال قبل ۳۱ درصد کاهش بارندگی داشته‌ایم. بخش بزرگی از منابع آبی تهران یعنی حدود ۷۰ درصد از

فقر به‌سر می‌برند که بیانگر مشکلات اقتصادی و نابرابری منطقه‌ای است. از دید دموگرافیک، سهم جمعیت جوان‌تر بالاست: بیشترین تعداد خانوارهای فقیر مستأجر مربوط به آنهایی است که سن سرپرستشان بین ۳۵ تا ۴۴ سال است (۳۱۲ هزار خانوار). این گروه تقریباً ۳۱ درصد کل مستأجران فقیر را تشکیل می‌دهد. به طور کلی ۷۶ درصد خانوارهای درگیر فقر، سرپرستی جوان‌تر از ۵۵ سال دارند (معادل ۱/۴۹ میلیون خانوار). این آمار نشان می‌دهد، فقر مستأجران مساله لزوماً سالنمدان یا اقشار بسیار فرسوده نیست و حتی قشر میانی و جوان نیز با مشکل مواجه هستند. یک نکته جالب دیگر آن است که در استان‌های اردبیل و ایلام، بخش اعظم مستأجران فقیر نه به‌خاطر درآمد پایین که به‌دلیل هزینه بالای مسکن فقیر شده‌اند. بدین معنا که در آن مناطق، افزایش اجاره و هزینه‌های تأمین مسکن چنان شدید بوده که حتی خانوارهایی با درآمد نسبی مناسب نیز زیر خط فقر رفته‌اند. این وضعیت را می‌توان به عنوان نمونه‌ای از ناکارآمدی سیاست‌های کنترل قیمت مسکن یا تخصیص ناکافی مسکن اجتماعی در برخی استان‌ها قلمداد کرد. گزارش مرکز پژوهش‌ها با استفاده از شواهد آماری نشان می‌دهد که مشکل اساسی در گسترش فقر مسکن در ایران به‌صورت ترکیبی از سازوکار نادرست سنجش فقر و سیاست‌های ناکارآمد در حوزه مسکن است. از یک سو، عدم توجه به هزینه‌های مسکن در شاخص‌های رسمی فقر، باعث شده ابعاد واقعی فقر پنهان بماند؛ از سوی دیگر رشد بی‌محایای هزینه مسکن و اجاره در چند سال اخیر بدون جبران مؤثر درآمدی، دهک‌های پایین و حتی متوسط را به فقر کشانده است. افزایش حدود سه برابری خانوارهای فقیر مستأجر در ۱۷ سال و رکورد تاریخی ۴۰ درصدی در ۱۴۰۲ (نسبت به ۱۶ درصد در سال ۱۳۸۵) وضعیت تاسف‌باری است که لزوم بازاندیشی در سیاست‌های مسکن را هشدار می‌دهد. کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس تأکید کرده‌اند که استفاده از شاخص‌های موجود فقر برای خانوارهای مستأجر و دارندگان وام مسکن، نه‌تنها ناقص است بلکه در مواردی موجب «کژفهمی سیاستی» می‌شود. به این معنی که بر پایه این آمار، اندازه واقعی مشکلات خانوارهای کم‌درآمد و مستأجر در سیاست‌گذاری دیده نشده است. از سوی دیگر، مشاهده می‌کنیم حتی شهروندانی که خانه‌دار شده‌اند، درگیر فقر شده‌اند؛ چراکه نرخ فقر در بین دارندگان وام مسکن بیش از یک‌پنجم است. این خود بیانگر ناکارآمدی نظام تأمین مالی مسکن است؛ چراکه به جای آنکه خلق رفاه کند به باری بر دوش خانوارها تبدیل شده است. نتیجه نهایی این است که اجاره بهای بالا و اقساط سنگین، سیاست‌های رفاهی را نقش بر آب کرده و بخش وسیعی از جامعه میانی را به زیر خط فقر کشانده است.

با توجه به این ارقام، می‌توان نتیجه گرفت که تمرکز صرف بر افزایش عرضه مسکن یا پروژه‌های شهری کافی نبوده است؛ چراکه همان مسکن نیز با بیرون از دسترس درآمدها رفته یا به‌عنوان بدهی، فقرزا شده است. همچنین تفاوت‌های منطقه‌ای نشان می‌دهد، مشکل ریشه در سیاست‌های کلان اقتصادی دارد که در برخی استان‌ها تبعات حادی یافته است. به نظر می‌رسد، اصلاح سازوکار آماری فقر و در اولویت قرار دادن مداخلات هدفمند در بازار اجاره و مسکن اجتماعی برای مدیران امری ضروری است.

تأثیر هزینه مسکن و وام در فقر

یکی از یافته‌های مهم گزارش آن است که وام مسکن خود عاملی در گسترش فقر است. طی سال ۱۴۰۲ حدود ۹۳ هزار خانوار اقساط وام خرید مسکن پرداخت می‌کرده‌اند که ۱۸ هزار خانوار از این تعداد (معادل ۱۹ درصد) با فقر دست به گریبان بوده‌اند (حدود ۷۱ هزار نفر). به بیان دیگر، پرداخت اقساط وام مسکن، بخشی از خانوارها را از درآمد متعارف و ورطه فقر کشانده است. این پدیده نشان می‌دهد که علاوه بر اجاره‌بها، بار مالی بدهی مسکن بر خانوارهای متوسط و کم‌درآمد فشار وارد می‌کند. در کنار وام، بازار مسکن شهری در سال ۱۴۰۲ هم عامل فشار اقتصادی بیشتری بر مستأجران بوده است. گزارش اشاره می‌کند که تقریباً ۹۴ درصد مستأجران فقیر در مناطق شهری ساکن‌اند. این نکته هم‌راستا با مشاهدات بازار است که افزایش جهشی اجاره‌بها در شهرهای بزرگ، به‌خصوص تهران، را نشان می‌دهد.

حتی خانه‌داران فقیرتر شدند

آمار جغرافیایی گزارش نیز جالب توجه است. استان تهران با حدود ۶۲۰ هزار خانوار فقیر مستأجر و نرخ فقر ۴۳ درصد بیشترین تعداد مستأجران فقیر را دارد. پس از تهران به ترتیب استان‌های خراسان رضوی، اصفهان و فارس در رتبه‌های بعدی هستند. در مقابل، کمترین تعداد مستأجر فقیر در استان چهارمحال و بختیاری (۴ هزار خانوار با نرخ فقر ۱۴درصد) ثبت شده است. اما جالب آنکه بیشترین نرخ فقر نسبی در میان مستأجران استان‌های آذربایجان غربی (۶۲ درصد) و بعد از آن ایلام و اردبیل گزارش شده است. این به معنای آن است که در این استان‌ها بیش از نیمی از مستأجران در

